

اللَّهُ
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

شماره

تحلیل بیانیه گام دوم (ویراست اول)

پدیدآورندگان: میرمعزی، اسحاقی، حسنی، علیزاده، ابراهیمی و فخاری
تهیه و تنظیم: معاونت پژوهش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
ویراستار: علی محمدی‌بدک
طراح جلد: یادگار عباسپور
صفحه‌آرا: محمود مرتضوی
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
چاپ: مؤسسه انتشارات حوزه‌های علمیه



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

آدرس: قم، جمکران، بلوار انتظار، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۲۹۵۸۹۰

تحلیل بیانیه گام دوم

ویراست اول

تهیه و تنظیم:
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

فهرست مطالب

مقدمه ۹

فصل اول:

فرا تحلیل بیانیه گام دوم

چستی بیانیه.....	۱۹
مخاطبان بیانیه.....	۲۲
مفهوم محوری و مفاهیم پیرامونی بیانیه.....	۲۳
ادبیات بیانیه.....	۲۴
دوگانه‌های صریح و ضمنی بیانیه.....	۲۵
ضرب آهنگ اصلی بیانیه.....	۲۵
اهمیت بیانیه.....	۲۶
جامعیت بیانیه.....	۲۸
نظام‌وارگی بیانیه.....	۲۹
صداقت بیانیه.....	۳۱
نوآوری‌های بیانیه.....	۳۱
چرایی صدور بیانیه.....	۳۴
نسبت بیانیه گام دوم با الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت.....	۴۱

فصل دوم :

گزارش تحلیلی از مفاد بیانیه

- مبانی بیانیه ۵۳
- پیام اصلی بیانیه ۵۴
- مفاد بخش اول بیانیه: جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی ۵۷
- مفاد بخش دوم بیانیه: تحلیل تاریخی انقلاب اسلامی ۵۸
- مفاد بخش سوم بیانیه: وضع موجود انقلاب اسلامی ۵۹
- مفاد بخش چهارم بیانیه: ترسیم آینده انقلاب اسلامی ۶۰
- مفاد بخش پنجم بیانیه: سیاست‌های مرتبط با هفت موضوع اساسی ۶۲

فصل سوم :

الزامات راهبردی بیانیه برای حوزه‌های علمیه

- الف. گفتمان‌سازی بیانیه ۷۱
- سیاست تغییر نگرش‌ها و باورها ۷۴
- سیاست تعریف هویت اسلامی انقلابی ۷۵
- سیاست‌های تعریف ساختارهای آینده ۷۵
- ب. الزامات راهبردی برای ستاد ۷۷
- بازخوانی اسناد بالادستی و برنامه‌ها ۷۸
- سیاست‌گذاری برای تطبیق باورها ۷۸
- سیاست‌های هویتی ۷۹
- سیاست‌های ساختاری ۷۹

- ج. رسالت طلاب در تحقق بیانیه گام دوم ۸۲
۱. اولویت تحصیل و توجه به اقتضائات زمانی ۸۲
۲. تبیین مفاهیم اسلامی در جهت حل مشکلات واقعی ۸۳
۳. توجه به تولید علم و آزاداندیشی علمی ۸۴
۴. تبلیغ اسلام: خودسازی در راستای دیگرسازی ۸۵
۵. زمان‌شناسی و آگاهی سیاسی ۸۷
۶. توجه به تجربه تاریخی ۹۰
۷. توجه به فقه حکومتی ۹۱

فصل چهارم:

اقدامات مدیریت حوزه در راستای بیانیه

- مهم‌ترین برنامه‌های مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه ۹۹
- خاتمه و نتیجه ۱۰۷

مقدمه

بیانیه گام دوم توسط مقام معظم رهبری^{مدظله العالی} همزمان با آغاز چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی صادر و ابلاغ شد. در عرف سیاسی، بیانیه متنی برای بیان عقاید، اهداف و سیاست‌های کلان یک جریان، یک گروه یا یک شخص مهم به عموم بوده و کارویژه اصلی آن، ایجاد تحول در جامعه مخاطب است. وقتی بیانیه‌ای را رهبری با ضریب نفوذ جهانی، برای جریان تحت امر خود عرضه می‌کند، در عرف، بیانیه‌ای رسمی تلقی شده و جریان‌های مختلف سیاسی در جهان آن را جدی تلقی می‌کنند. علاوه بر آن، وقتی به قداست مقام ولایت فقیه نزد شیعه^۱، به عنوان مصدر این بیانیه توجه شود، این بیانیه نزد شیعه در طول شریعت الهیه محترم خواهد شد. بیانیه گام دوم انقلاب از چنین مقامی صادر شده و از این جهت اهمیت ملی و جهانی دارد.

۱. «فاذا حکم بحکمننا فلم یقبله منه فانما استخف بحکم الله و علینا رد و الراد علینا الراد علی الله و هو علی حد الشرک بالله» (اصول کافی؛ ج ۱، ص ۸۶).

ارزش این بیانیه نزد مقام معظم رهبری ^{مد ظله العالی} به حدی است که می‌فرمایند:

من روی این بیانیه خیلی زحمت کشیدم، من بنا بر این ندارم که اگر چیزی نوشتم و یا مطلبی را که می‌گویم از دیگران درخواست کنم که روی آن کار و مطالعه کنند؛ ولی راجع به این می‌گویم این کار را بکنید.

این بیانیه، نگاه محققان، دست‌اندرکاران و نهادهای مختلف را به خود جلب کرد و پیشرانی پرانرژی شد که توانست بار دیگر شور و شعوری در جامعه برای برداشتن گام دوم انقلاب اسلامی ایجاد کند. در این میان، توجه برخی مراجع بزرگوار، شماری از اعضای محترم شورای عالی و اساتید انقلابی به این بیانیه چشمگیر بوده و گویای وزانت، وجاهت و اهمیت آن است.

حضرت آیت الله العظمی مکارم ^{مد ظله العالی} در باره این بیانیه فرمودند:

بحمد الله اخیراً رهبر معظم انقلاب بیانیه‌ای جامع، پرمعنا، حساب شده و راهگشا تحت عنوان گام دوم انقلاب صادر کردند که پیداست روی آن فکر و دقت زیادی شده است. این بیانیه، تاکنون مورد استقبال گروه‌های زیادی واقع شده است؛ ولی می‌دانیم استقبال و تقدیر و تشکر به تنهایی کافی نیست؛ اکنون وقت آن رسیده است که کارگروه‌هایی برای هرکدام از محورهای هفت‌گانه آن بیانیه تعیین شود و برای پیاده

کردن اهداف این محورها برنامه‌نویسی کنند.

حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی ^{مدظله العالی} نیز فرمودند:

در این بیانیه ارزشمند، ابعاد و احتیاجات آینده اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی و مذهبی کشور مورد عنایت قرار گرفته‌است که هر یک از این مسائل نیازمند به ساعت‌ها کار علمی از سوی نخبگان و متخصصان است.

حضرت آیت الله بوشهری ^{دامت افاضاته} مخاطب اصلی این بیانیه مهم را جوانان دانسته و در توصیه ای همگانی فرمودند:

بیشترین واژگان این بیانیه مربوط به نسل جوان و امیدهای آینده این کشور است و همه وظیفه دارند که برای نهادینه کردن و تبیین آن تلاش و به سهم خود ایفای نقش کنند.

مدیر معزز حوزه‌های علمیه، حضرت آیت الله اعرافی ^{دامت توفیقاته} نیز در توصیه‌ای هدایت‌گرانه و جهت‌آفرین به قاطبه حوزویان و آحاد فرهیختگان و اندیشوران حوزوی و دانشگاهی، تأکید کردند:

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تصویری دقیق و موشکافانه از وضعیت گذشته و آینده انقلاب اسلامی ارائه داده‌اند و هفت راهکار و محور اساسی از سوی مقام معظم رهبری در قسمت پایانی این بیانیه ارائه شده است که باید مورد توجه قرار بگیرد؛

زیرا تمامی این محورها، اساس و مبنای تداوم حرکت انقلاب اسلامی هستند. باید دانست که بیش از ۳۰ نظریه علمی، کاربردی و فقهی در ابعاد مختلف در بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب به صورت واضح و آشکار و یا در لابه‌لای بیانات رهنمودی ایشان وجود دارد که برای طلاب و دانشجویان قابل تأمل، تحلیل و مطالعه است. این تئوری‌ها پایه‌های انقلاب هستند و شایسته است به عنوان واحدهای درسی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه تدریس شوند و یکی از این نظریه‌ها، جمع دین و دنیا با هم است و اینکه چگونه می‌شود این دو را با هم جمع کرد.

در واقع این بیانیه، در یک جمله می‌خواهد بگوید: چگونه انقلابی بمانیم و در چارچوب ارزش‌های اسلام و انقلاب به خودسازی و جامعه‌سازی و تمدن‌سازی بپردازیم و زمینه‌های ظهور منجی عالم بشریت ولی عصر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف را ایجاد کنیم. در تحلیل حاضر، تلاش شده است برخی زوایای پنهان این بیانیه بازنمایی و با توجه به واژه محوری «نظام انقلابی» در این بیانیه، تفاوت نگاه انقلابی با نگاه مذاکره‌ای، به اجمال، روشن شود. مخاطب این تحلیل، حوزویان و فرهیختگان به معنای اعم و طلاب جوان به معنای اخص است. این بیانیه، دقیقاً می‌خواهد این نکته را بگوید که جمهوری اسلامی ایران چرا و چگونه بماند؛ نکته‌ای که برای هر طلبه جوانی مهم

است و این تحلیل می‌خواهد همین جهت را برای طلبه باز گو کند. قبل از هر چیز، لازم است به چارچوب نظری تحلیل بیانیه اشاره‌ای بشود. البته باید تذکر داد که برای تلخیص و قابل فهم کردن این متن، چارچوب یاد شده در خود متن صراحت ندارد.^۱

نکته‌ای که باید در تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب، بدان توجه شود، تأکید بر «بیانیه بودن» است. بیانیه (هر بیانیه‌ای که باشد) دو کارویژه معنایی دارد:

الف. کار ویژه افاده معنا یا بیان عقاید، اهداف و سیاست‌های کلان به عموم که با تصریح به چنین افعالی بیان می‌شود: نشان دادن، آگاهانیدن، شناساندن (معرفی)، تأکید، توجیه، تبیین، تفهیم، القا، رفع ابهام از و مانند آنها.

ب. کار ویژه دوم، که اساسی‌تر است، ایجاد گفتمان است. گفتمان، عبارت است از مجموعه‌ای محدود از اصول پایه حاکم بر زندگی که انسان‌ها آنها را با آگاهی پذیرفته باشند؛^۲ به گونه‌ای که مؤلفه‌های حیات فردی و اجتماعی خود را با آن اصول تعریف کنند. بنابراین، بیانیه، علاوه بر القای پیام خود، می‌خواهد گفتمان بشود. این

۱. روش بررسی محتوا به صورت ترکیبی بوده و از روش تحلیل گفتمانی، تحلیل محتوای کیفی و روش سمانتیکی (لفظی) که در مباحث الفاظ علم اصول مطرح می‌باشد، استفاده شده است. مقصود از فراتحلیل بیانیه هم، تحلیل آن با نگاه درجه دوم و کلان است. در این نگاه، بدون آنکه وارد جزئیات محتوای بیانیه شویم، از بیرون و با نگاه کلان به بیانیه نگریسته و در باره چیستی، چرایی و چگونگی بیانیه بحث می‌کنیم.

۲. با همین قید، کاملاً روشن است که از معنای مرسوم گفتمان کاملاً دور شده‌ایم. در این تحلیل، گفتمان به همان معنایی به کار می‌رود که رهبر انقلاب به کار می‌برد: «گفتمان یعنی یک مفهوم و

یک معرفت همه‌گیر بشود در برهه‌ای از زمان در یک جامعه» (۱۳۸۸ / ۰۹ / ۲۲)

کارویژه، با افعالی نظیر تثبیت و تغییر برخی امور، ترجیح برخی امور، ایجاد موقعیت‌ها و حرکت‌ها و احساسات، اصلاح وضع موجود، برانگیزش و «تحریک» مخاطب و مانند آنها روشن می‌شود.

در حقیقت، بیانیه، واحدی معنایی به حساب می‌آید و هر جزء آن، تنها در ضمن کل بیانیه می‌تواند کارکرد معنایی خود را، در هر یک از دو کارویژه معنایی، محقق نماید.

پایه اصلی این تحلیل، برجسته کردن معانی‌ای است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در این بیانیه بر آنها تأکید دارد. تعیین سطح تأکید نیز از چند طریق قابل احراز است:

۱. تأکیدات لفظی با واژگانی مانند همیشه، همواره، هرگز، البته، حتی، هیچ، همه و با همه که در بیانیه وجود دارد؛

۲. تأکیدات معنوی همچون: انواع استثناءها، کیفیت چینش جملات و چینش کلمات؛

۳. از طریق جایگاه معنا در شبکه معانی بیانیه: این جایگاه، در شبکه روابط منطقی (مانند روابط بسیط و مرکب، کلی و جزئی، ذاتی و عرضی، سازگاری و تناقض)، روابط معنایی (مانند مترادف، تقارب معنایی، شمول معنایی، اطلاق و تقیید، اجمال و تفصیل، ابهام و تبیین، عموم و خصوص، معانی التزامی)، روابط مصداقی (مانند تساوق، کل و جزء، علت و معلول، لوازم وجودی، تضاد، عدم و ملکه، تضایف) و سطح معنا (افاده معنا و ایجاد معنا) تعیین می‌شود؛

۴. از طریق تبارشناسی معنا در مجموعه سخنرانی و پیام‌های رهبر انقلاب؛

۵. از طریق ملاحظه فضایی که معنا در آن بیان شده است. دور از نظر نماند که تحقق بیانیه گام دوم، وظیفه‌ای عمومی و از وظایف نهادهای مختلف است؛ چنان‌که خود بیانیه هم بر وظایف سنگین و نگاه مسئولانه مردم، دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی و غیر حکومتی تأکید می‌کند. در این بیانیه، به نهادهای مختلف کشور، مانند صدا و سیما، کارگزاران روابط خارجی، نهادهای اقتصادی، نهادهای عمرانی، قوه قضاییه، و دانشگاه‌ها توجه شده و مسئولیت‌هایی از آنها طلب شده است. حوزه‌های علمیه نیز در همه سطوح، از نهادهای ستادی گرفته تا سطح مدیران و اساتید مدارس تا طلاب مشغول به تحصیل، همه در این باره وظیفه دارند. حوزه‌های علمیه، به عنوان علت محدثه و مبقیه انقلاب اسلامی که جایگاه هدایتگری جامعه را بر دوش می‌کشد، باید به عنوان حوزه انقلابی و مجموعه پیشران و گفتمان‌ساز در سطح ملی و فراملی، برای تحقق مفاد این بیانیه، همت و عزم خود را جزم نموده و زمینه‌های اجرایی شدن مقاصد و محورهای اصلی بیانیه در جامعه را، جهت نائل شدن به تمدن نوین اسلامی، فراهم نماید.

تا کنون برای رساندن پرچم به دست صاحب اصلی انقلاب، یک گام برداشته شده است و باید گام دوم را در خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی برداشت. تمدن نوین اسلامی، دارای چشم‌اندازی روشن، دست‌یافتنی و قابل تحقق است. تمدن نوینی که زمینه‌ساز ظهور حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف است و تجربه گرانسنگ چهل ساله در خدمت این پیمایش است. در این راستا، باید اندیشه‌های حوزوی طرح و بنیاد

علمی تمدن‌سازی را دنبال کنند.

این نوشتار، برای تحقق مقاصد پیش گفته و کالبدشکافی و تبیین آورده‌ها و آموزه‌های همیشه مانا و همواره پویای بیانیه، در چهار فصل ارائه شده است که افزون بر تبیین و تحلیل بیانیه، راهبردها و راهکارهای تحقق آن را ارمغان راه حوزه انقلابی و ولایتمداران جهادی قرار دهد. در فصل اول، فراتحلیلی از بیانیه گام دوم به عنوان یک کل ارائه و در آن، ویژگی‌های کلی بیانیه گام دوم تبیین می‌شود. در فصل دوم، گزارشی تحلیلی از مفاد بیانیه ارائه می‌شود. در فصل سوم، الزامات و راهبردهای عملیاتی‌سازی بیانیه گام دوم در جامعه، به ویژه در حوزه‌های علمی، بیان خواهد شد. فصل چهارم، نیم‌نگاهی به مهم‌ترین طرح‌های تحولی مدیریت حوزه‌های علمیه در راستای این بیانیه خواهد داشت.

فصل اول:

فرا تحلیل بیانیه گام دوم

چیستی بیانیه

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، در بیانیه گام دوم انقلاب، تحلیلی دقیق از سرگذشت انقلاب ارائه و بر اساس آن، مسیر آینده را به خوبی ترسیم کرده‌اند. از این جهت، این بیانیه، حقیقتاً نقشه راه تعالی و پیشرفت ایران انقلابی است. بیانیه گام دوم، در عین نو بودن، دارای تباری بسیار غنی در مجموعه سخنان و پیام‌های امام خامنه‌ای در طول بیش از سی سال رهبری ایشان است. این بیانیه، حاصل تجربه چندین دهه فعالیت سیاسی سطح بالای ایشان در قبل و بعد انقلاب تا کنون است.

تبیین ویژه و موجز حضرت ایشان از تاریخ انقلاب و شعارها و آرمان‌هایش و التفات ایشان به مشکلات، دستاوردها و ظرفیت‌ها و تحلیل ایشان از آنها بر مبنای تجربه‌آموزی از گذشته، می‌تواند موجب تحولات بزرگی در آینده ایران و جهان شود؛ اگر مردم، نخبگان و مسئولان، آن را پاس دارند و روح خودباوری و توکل بر خداوند بر آنها سیطره یابد. بنابراین، چنانچه روح حقارت و خودکم‌بینی بر هر ملتی

چیره شود و هر ملتی از خودیگانه گردد و به حاکمیت طاغوت تن دهد، شأن چنین پیروزی بزرگی را نخواهد داشت.

در این بیانیه، خوش‌بینی موج می‌زند؛ خوش‌بینی ناشی از ایمان به وعده‌های خداوند مبنی بر پیروزی حق بر باطل و خوش‌بینی ناشی از شناخت سنت‌های الهی. این بیانیه، یک آینده‌نگاری انگیزه‌ساز و امیدبخش است: امید به نظام انقلابی برای تحقق تمدن نوین اسلامی و امید به فضل الهی برای تحقق حکومت مهدوی.

این بیانیه، سندی قانونی و ابلاغی نیست؛ اما سندی تفسیری است که می‌توان آن را نظیر مقدمه قانون اساسی دانست که در تفسیر و نقد جهت‌گیری سایر اسناد بالادستی در موارد ابهام، اجمال، فقدان یا تصحیح جهت‌گیری‌های مدیریتی کلان علمی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مؤثر است. در واقع بیانیه گام دوم را می‌توان سندی تبیینی، تبشیری، تنذیری و هادی دانست. در این سند، از فلسفه، ماهیت، مبانی و آرمان‌های انقلاب اسلامی گرفته تا ظرفیت‌ها، دست‌آوردها و پیشرفت‌ها و نیز از پیشران‌ها، آسیب‌ها و موانع انقلاب تا راهبردها و برنامه‌های آن سخن به میان آمده است. این بیانیه به معرفی انقلاب اسلامی در دو چهره می‌پردازد: چهره همه‌جایی و همه‌زمانی (جهانی و پایدار) (چهره حقیقی)، چهره پدیدار در زمان و مکان مشخص. پس از معرفی این دو چهره، راهبردهای تقریب چهره پدیدار به چهره حقیقی را بیان می‌دارد و در پرتو این راهبردها، چارچوب کلان برای پیشرفت کشور را ترسیم می‌کند.

این بیانیه، در حقیقت، پاسخ به چهار پرسش اصلی است:

۱. مبانی فلسفی و اعتقادی انقلاب اسلامی چیست؟
 ۲. ماهیت انقلاب اسلامی و الگوی مفهومی آن، با توجه به آرمان‌هایش، چیست؟
 ۳. انقلاب اسلامی ایران چه ویژگی‌هایی دارد؟
 ۴. راهبردهای تداوم انقلاب اسلامی ایران در چهل سال دوم کدام‌اند؟
- کارکرد اصلی هر بیانیه‌ای، گفتمان‌سازی در سطح عمومی و نخبگانی است و این بیانیه، با التفات به چهار مسئله یاد شده، توان کافی برای گفتمان‌سازی را دارد. بنابراین، می‌توان این بیانیه را به حق «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران» خواند.
- باید دانست که بیانیه‌ها تنها یک پیام نیستند؛ بلکه بیانیه‌ها صادر می‌شوند که در جامعه و تاریخ مؤثر شوند. این بیانیه، می‌خواهد واسطه‌ای باشد برای انتقال پیام انقلاب به نسل‌های آینده و انتقال میراث انقلاب به آنان. افزون بر این، این بیانیه می‌خواهد:
- الف. گفتمان انقلاب اسلامی را زنده نگه دارد؛
 - ب. جوانان انقلابی ایران را امیدوارانه، آگاهانه و خردمندانه به پذیرش مسئولیت در این باب وا دارد؛
 - ج. جهان را به عظمت انقلاب اسلامی متوجه کند و آن را به الگویی در آینده جهان تبدیل نماید؛
 - د. به دشمنان انقلاب اسلامی نشان دهد که این انقلاب تاکنون مانده و در آینده نیز خواهد ماند و آنان چاره‌ای جز همزیستی با این انقلاب ندارند.

مخاطبان بیانیه

مخاطب خاص این بیانیه جوانان ایران‌اند؛ کسانی که برداشتن گام دوم انقلاب بر عهده آنها است؛ کسانی که نابودی اسرائیل و آمریکا را شاهد خواهند بود و البته از سوی دیگر، کسانی که هدف جنگ نرم و فرهنگی دشمن‌اند تا نتوانند این گام را بردارند. مخاطب خاص این بیانیه جوانانی هستند که نه انقلاب را دیده‌اند، نه دفاع مقدس را و نه امام و شهدا را؛ اما نگران فتنه‌ها، جنگ نرم، تغییر سبک زندگی، سستی در مدیریت جهادی، فراموشی شعارها و آرمان‌های انقلاب‌اند و پاسدار دستاوردهای معنوی انقلاب‌اند.

مخاطب عمومی این بیانیه، ملت ایران‌اند که رهبر دوراندیش انقلاب آنان را به ادامه راه انقلاب دعوت کرده است؛ ملتی که او به آنان امیدوار است و با این وصف، بصیرت و دشمن‌شناسی و اراده بیشتر در این مسیر را از آنان مطالبه می‌کند.

مسئولان کشور مخاطبان دیگر این بیانیه‌اند. آنان، باید این بیانیه را به عنوان سند مهمی از سیاست‌های کلان کشور و جهت‌گیری کلی نظام اسلامی مورد توجه قرار دهند. حلقه مدیریتی را برای حضور نسل جوان، مؤمن، آگاه و انقلابی باز کنند و با عبرت گرفتن از خسارت‌های ناشی از غیر انقلابی عمل کردن، الگوی مدیریتی انقلابی و جهادی را در کشور پیش گیرند که از خسارت‌های بیشتر پیشگیری کنند و به دستاوردهای بیشتر برسند. مدیران انقلابی و جهادی کسانی‌اند که مدیریت موفق آنها در همه عرصه‌ها یک

واقعیت است، پیروز میدان دفاع مقدس بودند، طهارت اقتصادی آنها را به آشکاری می‌توان دید و در اخلاق و معنویت، علم و فناوری، تأمین امنیت، عدالت و مبارزه با فساد، جهاد برای استقلال و آزادی خوش درخشیده‌اند و دغدغه آنان عزت ملی و حفظ مرزبندی با دشمن بوده است.

این بیانیه، دو گروه مخاطب در خارج از ملت ایران نیز مدنظر دارد: یک. دشمنان ملت ایران؛ دو. ملت‌ها و افراد آزاده جهان.

مفهوم محوری و مفاهیم پیرامونی بیانیه

این بیانیه با ادبیات خاص خود، الگوی مفهومی انقلاب اسلامی در گام دوم را عرضه کرده است. مفهوم محوری در این بیانیه «انقلاب اسلامی» و «نظام انقلابی» است و مفاهیم دیگر حول این مفهوم گرد آمده‌اند. از مفاهیم دارای بار مثبت که در این بیانیه اهمیت اساسی دارند، می‌توان به این مفاهیم اشاره داشت: دین، آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلائیّت، برادری، خردمندی، نهضت دینی، آرمان‌های انقلابی، خودسازی، جامعه‌پردازی، تمدن‌سازی، مقاومت، مدیریت جهادی، جمهوری اسلامی، حکومت علوی، مرزبندی با رقیبان و دشمنان، علم، پژوهش، فناوری، مشارکت مردمی، بینش سیاسی عمومی، ایستادگی، تسلیم‌ناپذیری، صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن، اقتدار، عزت، جوشش انقلابی، نظم سیاسی و اجتماعی، مظلومان و مستضعفان.

امام خامنه‌ای، در سخنرانی‌های خود بر عقلانیت، حکمت و منطق تأکید زیادی دارد و این سه را در این بیانیه می‌توان به وضوح دید. برخی مفاهیم دارای بار منفی مهم در این بیانیه، عبارت‌اند از: استکبار، غفلت، شرق و غرب مادی، چپ و راستِ مدرنیته، رویگردانی مسئولان از ارزش‌های دینی، افراط، چپ‌روی، زورگویان و گردنکشان، طاغوت، فساد، رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده، شقاوت، توطئه، خیانت، فتنه، جنگ‌افروزی، رذالت، بی‌عدالتی، ظلم، لجنزارهای فساد، قدرت‌های انحصارگر، دولت‌های متکبر و مستکبر.

ادبیات بیانیه

این بیانیه در عین برخورداری از مفاهیم عمیق و مباحث مستند، ادبیاتی بدون تکلف و متنی روان و خوش‌ترکیب دارد و می‌تواند با قشرهای مختلف ارتباط برقرار کند. به همین جهت، باورپذیری بالایی دارد.

ادبیات روان و عالمانه این بیانیه، در کنار واژه‌های خوش‌ترکیب و جملات روان، ایجاز متن و متانت و عمق آن قابل توجه است. تمرکز بیانیه گام دوم انقلاب بر موضوعات اصلی از نقاط قوت و ضعف، و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای جامعه ما و تحلیلی منسجم از آنها نیز مورد توجه تحلیل‌گران بوده است. انسجام، علمیت و انصاف بیانیه در آنجا اهمیت می‌یابد که این نامه از ادبیات انقلابی و تهاجمی کوتاه نیامده است.

دوگانه‌های صریح و ضمنی بیانیه

دوگانه‌های صریح و ضمنی این بیانیه، مرز انقلاب اسلامی را با حرکت‌های دیگر سیاسی روشن می‌کند؛ از جمله این دوگانه‌ها، می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: ثبات و حفظ اصول و آرمان‌های انقلاب / تغییر در اصول و آرمان‌ها؛ دین / دنیا، پای‌بندی به ارزش‌های دینی / دل‌زدگی از ارزش‌های دینی و وادادگی (آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری)؛ انعطاف در عین تجدید نظر ناپذیری در آرمان‌ها / انفعال؛ مهربانی و دفاع از مستضعفان / زورگویی، بی‌رحمی و خون‌ریزی؛ بایدها / واقعیت‌ها؛ اسلام / استکبار؛ مدیریت جهادی / مدیریت غربی؛ دینداری / بی‌دینی؛ جوشش انقلابی / رکود و خموشی؛ ایستادگی / وادادگی؛ رشد علم و فناوری / رکود در علم و فناوری؛ امید / ناامیدی؛ استقلال / وابستگی؛ آزادی / دیکتاتوری؛ عزت ملّی / ذلت؛ مرزبندی با دشمن / اختلاط با دشمن؛ سبک زندگی اسلامی / سبک زندگی غربی؛ پایبندی به اخلاق / بی‌بندوباری؛ عدالت / ظلم؛ اصلاح / فساد؛ ترس / شجاعت؛ اقتصاد نفتی / اقتصاد تولیدمحور؛ طهارت اقتصادی / فساد اقتصادی.

ضرب آهنگ اصلی بیانیه

آنچه بیش از همه چیز از ضرب آهنگ بیانیه به گوش می‌رسد و فراوانی واژگان به کار رفته در آن نیز بر این امر صحنه می‌گذارد، پرداخت به موضوع جوانان (بالغ بر ۴۰ بار) است. همچنان‌که فراوانی کلماتی نظیر

اقتصاد (بالغ بر ۳۰ بار)، علم (بالغ بر ۲۰ بار)، جهاد (بالغ بر ۲۰ بار)، دشمن و استکبار (بالغ بر ۲۰ بار) و مردم و ملت (بالغ بر ۳۰ بار) نیز قابل توجه است. البته با توجه به موضوع اصلی بیانیه که انقلاب اسلامی است، این تأکیدها طبیعی است.

اهمیت بیانیه

اهمیت این بیانیه را از جهات مختلف می‌توان تبیین کرد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. اهمیت از جهت مقام صادر کننده بیانیه: به هر حال، این بیانیه را رهبر جریان اسلام انقلابی برای آینده ایران در جهان پر از دشمن صادر کرده است؛ رهبری که شخصیت سیاسی، علمی و معنوی وی در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی و حتی خارج از مرزهای مذهبی و دینی نیز همان قدر مورد توجه است که در داخل کشور و در جهان غیر شیعه و حتی غیر اسلام.
۲. اهمیت از جهت زمان صدور بیانیه: این بیانیه در زمانی صادر شده است که انقلاب اسلامی، با وجود همه دشمنی‌ها در نظام بین‌المللی و هم‌همه کارشکنی‌های دشمنان داخلی، توانست با اقتدار به چهلمین سال خود برسد و گام اول خود را طی کند.
۳. اهمیت از جهت محتوای بیانیه: رهبر انقلاب اسلامی، پیش‌تر نیز بیانیه‌هایی صادر کرده که خط مشی کلی انقلاب اسلامی را تبیین می‌کنند؛ مانند بیانیه اولین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)

و بیانیه بیستمین سال پیروزی انقلاب اسلامی؛ اما با مقایسه محتوای آن بیانیه‌ها با بیانیه گام دوم، می‌توان دریافت که این بیانیه در مرتبه‌ای بسیار بالاتر قرار دارد؛ چنان که خود ایشان در باب این بیانیه اظهار داشتند که برای آن زحمت بسیار کشیده‌اند و می‌خواهند روی آن کار شود.

این بیانیه را رهبر و مرجعی باتجربه صادر کرده که در متن جریان‌های انقلاب حضور داشته و در تاریخ اسلام و ایران و جهان «نظری ژرف داشته» و در کارهای دیگران چنان دقیق نگریسته و در سرگذشت‌هایشان اندیشیده و در آثارشان گردش کرده که چون یکی از ایشان شده است. این بیانیه، اظهار این تجربه است. در پشت صحنه الفاظ این بیانیه، پیر راه از مسیری پرفراز و نشیب که خود طی کرده و از پیچ و خم‌های آن به خوبی آگاه است، سخن می‌گوید و مسیر پیش رو را به مردم می‌نمایاند. الفاظ و کلمات برای انتقال کامل روح معنایی حاکم بر چنین متنی عاجزاند، یا باید با آن پیر هم تجربه شد یا باید با او همدل شد که سخن او را دریافت. ایشان، در دیدار با دانشجویان، با اشاره به این بیانیه فرمودند:

«این بیانیه، یک ترسیم کلی از گذشته، حال و آینده انقلاب اسلامی است که در آن چهار نقطه اصلی و کلیدی وجود دارد:

۱. عظمت وقوع و ماندگاری انقلاب اسلامی؛ ۲. عظمت کارکرد انقلاب اسلامی تا به امروز؛ ۳. عظمت چشم‌اندازی که

انقلاب اسلامی باید به آن برسد؛ ۴. عظمت نقش نیروی جوان متعهد در مسیر پیش رو»
بر این اساس، ایشان نقشه راه پیشرفت کشور در چارچوب‌های مکتبی را ترسیم کرده است.

۴. اهمیت از جهت مخاطب اصلی بیانیه: خطاب اصلی این بیانیه به نسل جوان است که آینده انقلاب اسلامی را در دست می‌گیرند و البته به جهت ویژگی‌های خاص جوانی بیشتر قابل اتکایند.

جامعیت بیانیه

این بیانیه، هر آنچه را یک بیانیه باید داشته باشد، دارا است: از بازگویی راه رفته تا جهت‌گیری راه آینده همراه با بیان سیاست‌های کلی برای گام دوم انقلاب. در این میان، اشاره به نظریه نظام انقلابی، الزامات ورود به دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، تبیین دستاوردها و برکات چهل ساله انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف، اشاره به مشکلات، مدیریت‌های نادرست، ظرفیت‌های متنوع و مانند آنها قابل توجه است.

اما در جامعیت این بیانیه دو اشکال مطرح است:

۱. این بیانیه، در بازگویی گذشته ناقص است؛ زیرا مسائل بسیار دیگر در انقلاب اسلامی بوده که در این بیانیه ذکر نشده است.
۲. این بیانیه، در تبیین سیاست‌های آینده کشور ناقص است؛ زیرا مسائل کشور به هفت موضوع یاد شده در بیانیه محدود نمی‌شود.

در پاسخ به اشکال اول، باید گفت که این بیانیه در صدد بیان تاریخ نیست؛ بلکه به دنبال تبیین شعارها و آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی بوده و آنها را به صورت موجز و با تصویری امیدبخش بازگو کرده است.

در پاسخ به اشکال دوم، باید به دو نکته اشاره کرد: نکته اول اینکه این بیانیه به صورت ضمنی شامل سیاست‌هایی کلان نسبت به کل مسائل کشور و انقلاب اسلامی است. بنابراین، سیاست‌های آمده در متن بیانیه، به هفت سرفصل یادشده در آن (علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی) خلاصه نمی‌شود.

نکته دوم اینکه این بیانیه سند بالادستی رسمی نیست؛ بلکه تنها یک بیانیه است و کارویژه آن، اعلام موضع و گفتمان‌سازی است. کارویژه اسناد بالادستی رسمی، مانند الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی است که اقتضای جامعیت نسبت به همه مسائل کشور را دارد.

با توجه به نکات یاد شده، باید گفت که این بیانیه، بیانیه‌ای جامع است؛ زیرا هر آنچه رکن بیانیه به شمار می‌آید، در آن آمده است.

نظام‌وارگی بیانیه

توجه تحلیل‌گران به نظام‌وارگی بیانیه نیز معطوف شده است. این، نکته مهمی در مباحث روش‌شناختی است که راه‌حل‌ها و روش‌ها با مسئله (یا

مسئله‌های) ما متناسب هستند. اگر در مسیر پیچ‌درپیچ و پُر حادثه نظام‌سازی و جامعه‌سازی دینی، گاهی در انتخاب راه‌حل‌ها، مسیرهایی را به‌درستی انتخاب نمی‌کنیم، بخشی از علت این وضع را باید در شناخت نادرست مسئله‌های اصلی کاوید.

بیانیه گام دوم انقلاب، فهرست منسجم، دقیق و تعریف‌شده‌ای از موضوعات اصلی و مسائل اساسی ما را در یک پیوستار زمانی (از گذشته تا آینده) فراروی می‌گشاید. در این بیانیه، اصلی‌ترین قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای جامعه ما طرح و تعریف می‌شوند.

در این بیانیه، مفاهیم بسیاری مطرح شده‌اند؛ اما بیانیه صرفاً در طرح این مفاهیم باقی نمانده است. روابط معنایی میان این مفاهیم و نظام اولویت‌بندی در مسائل، در این بیانیه، نشان‌گر یک منظومه فکری دقیق در پشت آن است. به ویژه اگر این بیانیه در ضمن بررسی تبار آن در بیانات رهبر انقلاب اسلامی مطالعه شود، انسجام دلالت‌های درونی و نظام‌وارگی آن روشن‌تر می‌شود. اینکه این بیانیه، تباری در دهه‌های پیشین در اندیشه رهبری دارد، به این معنا نیست که اندیشه ایشان هیچ تحولی نداشته است؛ بلکه سیر استکمالی اندیشه ایشان کاملاً روشن است و بر همین اساس است که با نوآوری در همین بیانیه نیز برای آینده انقلاب اسلامی، در عین حفظ آرمان‌ها، طرحی نو ترسیم می‌کند.

گفتمانی شدن چنین بیانیه‌ای، می‌تواند موجب برداشتی از نظام مسائل کلیدی کشور شده و از رهیافت‌های جزئی‌نگر، خطی و غیر نظام‌مند در تحلیل مسائل اساسی ایران پرهیز شود.

انسجام شکلی این بیانیه نیز مورد توجه است؛ چراکه جملات آن، از مقدمه تا غایت آن، با ترتیب چیده شده و بدون حواشی و زوائد، مجموعه‌ای کار شده و پردازش شده را نشان می‌دهد. بیانیه‌ای فکر شده، تأمل شده، سازمان‌دهی شده و هدف‌گذاری شده است.

صداقت بیانیه

صداقت بیانیه نیز کاملاً مورد توجه بوده است؛ به حدی که برخی عوامل داخلی دشمنان انقلاب اسلامی، با ناراستی ذاتی خود، آن را به عقب‌نشینی تفسیر کردند. بیانیه ابایی از پذیرش برخی ضعف‌های مهم نداشته و فاصله آرمان تا واقعیت را جدی می‌بیند. اشاره به برخی کوتاهی‌ها در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی، عدالت اجتماعی و نیز ظرفیت‌های مغفول، از جمله این موارد است. البته این ویژگی در پیام‌ها و سخنرانی‌های دیگر رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز وجود دارد. وی نه مشکلات را کتمان کرده و نه نوای ناامیدی سر می‌دهد؛ بلکه همواره آینده روشنی را ترسیم و نسخه شفابخش مسیر رو به جلو را پیش روی ملت و مسئولان قرار می‌دهد. بنابراین، این بیانیه، از منظومه فکری رهبر انقلاب اسلامی خارج نشده است.

نوآوری‌های بیانیه

صدور بیانیه‌هایی در موضوع تبیین انقلاب اسلامی و اهداف و گام‌های آن، از طرف رهبر معظم انقلاب مسبوق به سابقه بوده و ایشان، حداقل

به صورت روشن در دو مقطع حساس، راهبرد انقلاب و مسیر آینده را به صورت شفاف در قالب پیام‌هایی از این دست، با مردم و مسئولان در میان گذاشته‌اند: یکی در اولین سالگرد ارتحال حضرت روح الله و دیگری در بیستمین فجر پیروزی انقلاب اسلامی؛^۱ اما مقایسه این بیانیه با بیانیه‌های پیشین، نشان می‌دهد که این بیانیه از جنس دیگری است. به همین جهت، لازم است فرهیختگان کشور، به ویژه طلاب جوان، با این بیانیه آشنایی عمیق پیدا کنند.

بیانیه، از جهتی سخنی جدید نیست؛ می‌توان ریشه آموزه‌های آن را در سخنان و افکار معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، به روشنی دید. همچنین، این بیانیه یک جمع‌بندی موجز از منظومه فکری مقام معظم رهبری است. در حقیقت، ایشان در این بیانیه، چارچوب کلی منظومه فکری خود را، با تأکید بر انقلاب اسلامی، بیان می‌کند.

اگرچه مضامین و مسائل این بیانیه را می‌توان در آرا و بیانات گذشته رهبر انقلاب یافت؛ اما ترکیب کلی این بیانیه، نگاهی جدید است. در این بیانیه، تصویر روشنی از گذشته و حال و آینده ترسیم و آینده مطلوب و مسیر حرکت از حال به آینده در آن تبیین شده است. این بیانیه، با یادآوری شعارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، روحی انقلابی و امیدوار به نسل آینده می‌دمد. اهمیت «امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده»

۱. افزایش فشار دشمنان خارجی و خودباختگان داخلی از جمله ویژگی اصلی مقاطع صدور این بیانیه‌ها است؛ به گونه‌ای که شیپورهای تبلیغاتی دشمنان در آن برهه‌های زمانی به‌زعم خود، سازشان را برای نواختن نوای پایان انقلاب اسلامی کوک کرده بودند و عوامل داخلی‌شان نیز همصدا با آنها، هر روز روضه ناامیدی و «ما نمی‌توانیم» را با صدای بلندتری می‌خواندند.

در این بیانیه به حدی است که کلید اساسی همه قفل‌ها است و بدون آن هیچ گامی نمی‌توان برداشت. در روایت این بیانیه از انقلاب اسلامی، آرمان‌گرایی شجاعانه و شهادتی مسئولیت‌آفرین دیده می‌شود.

بیانیه گام دوم، مملو از موضوعات پیدا و پنهان متنوع و اساسی است که هر کدام در ترسیم افق حرکت انقلاب اسلامی نورافشانی می‌کند. در این بیانیه، انقلاب اسلامی موجود زنده‌ای است که هویت، نشو و نما، مسیر و افق بلند حرکتی دارد و به سطحی رسیده که با همه موانع، آسیب‌ها و چالش‌های همراه، تعجب آگاهان و شادی دلسوزان و غیظ دشمنان را برانگیخته است. این بیانیه، از ذهن و زبان کسی است که شبه‌الناس از جهت گفتار و عمل به امام راحل عظیم‌الشان است و کلام او در ادامه کلام معمار بزرگ انقلاب اسلامی است.

با تحلیل محتوای این بیانیه، می‌توان به روشنی دریافت که افزون بر نوآوری در ترکیب بیانیه، مشتمل بر دو نوآوری در مفهوم کلیدی است: «نظام انقلابی» و آموزه اساسی آن «نظام‌سازی انقلابی». بنابراین، لازم است نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی آن را جدی بگیرند؛ به ویژه در جایی که جنگ نرم دشمن «انقلاب‌زدایی» را هدف گرفته و عوامل داخلی آنها نیز از پایان انقلاب و آغاز ثبات سیاسی سخن می‌گویند.

همچنین، راهبرد «استفاده از ظرفیت جوانان در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و مدیریت‌های کشور در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی» با این مختصات و این تأکیدات سخنی جدید است.

چرایی صدور بیانیه

مراد از چرایی صدور بیانیه این است که چه فرصت‌ها و چه تهدیدهای جدیدی در چهل ساله دوم وجود دارد که صدور این بیانیه را ضروری کرده است؟

چهل سال از پیروزی اولیه انقلاب اسلامی گذشته است و این انقلاب، اکنون گام اول خود را با پیروزی برداشته و نظام سیاسی نشئت گرفته از آن، ثبات یافته است. با ظهور و بروز انقلاب در جهان، ظرفیت‌های جدیدی ایجاد شده است؛ از جمله اینکه خود این انقلاب تاریخ جهان را تغییر داد؛ به حدی که بسیاری از متفکران جهان آینده را جهان دین می‌دانند؛ در حالی که کمی پیش‌تر، بسیاری از آنان دین را متعلق به جهان گذشته به شمار می‌آوردند. همچنین، ساختار قدرت در جهان، دچار تحولات اساسی شده است. موفقیت‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی به حدی برجسته بوده که هم نظام‌های ثبات یافته و هم ملت‌ها در پی الگوگیری از آنها و بلکه ملت‌های مظلوم جهان به آن امید بسته‌اند و آزادی و نجات خود را از آن انتظار دارند و از سوی دیگر، ظالمان را به ترس انداخته است. البته از سوی دیگر، مشکلات، آسیب‌ها و غفلت‌هایی هم بوده که باید از آنها تجربه اندوخت.

انقلاب اسلامی، در تداوم بین نسلی به صورتی بی‌نظیر در جهان توانسته شعارها و آرمان‌هایش را به نسل‌های جدید خود منتقل کند. اکنون نسلی از جوانان داریم که دغدغه آنان اولویت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انقلاب اسلامی است و کوشش‌های مجاهدانه‌ای در این عرصه دارند. اینان، نگران سنگ‌اندازی‌ها در مسیر ظهور «دولت اسلامی» اند و بیش

از نسل‌های پیشین، در راه دفاع از انقلاب و پیشرفت آن، هم در مرحله خودسازی و هم در مرحله جامعه‌پردازی دغدغه‌مند هستند. این دغدغه‌ها را می‌توان در دفاع مجاهدانه از حرم، کاروان‌های جهادی، کمک در مناطق زلزله‌زده و سیل‌زده دید. با این وضعیت، اکنون زمان برداشتن گام دوم است و رهبر این انقلاب باید راهبرد گام دوم را برای نسل آینده بنگارند. انقلاب اسلامی، با این نسل جوان می‌تواند گام دوم خود را محکم و استوار و با نشاط بردارد.

گرچه شعارهای انقلاب اسلامی ماهیت همه‌جایی و همه‌زمانی دارند؛ اما روند تحقق آنها در زمان‌های مختلف، یکسان نیست. به تعبیر دیگر، گرچه این انقلاب، انقلابی برای خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است؛ اما قطعاً گام اول خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی با گام دوم آن یکسان نیست. از فرصت‌های جدیدی که موجب تفاوت گام اول انقلاب اسلامی با گام دوم می‌شود، امور زیر است:

۱. ثبات نظام جمهوری اسلامی؛

۲. تحولات فوق‌العاده در فناوری و ورود ایران به عرصه فناوری‌های

پیشرفته و راهبردی؛

۳. تحول در توان نظامی و سیاسی ایران در عرصه بین‌الملل؛

۴. تحول کانون‌های قدرت و ثروت در جهان و ضعف شدید دشمنان

ایران از جهت قدرت و ثروت؛

۵. تحولات نظام بین‌الملل و ایجاد ساختارها و سازمان‌های جدید در آن.

از سوی دیگر، تهدیدهای جدیدی نیز وجود دارند که موجب

تفاوت گام اول با گام دوم می‌شود؛ از جمله:

۱. تلاش دشمن برای تحریف ماهیت حقیقی انقلاب اسلامی و تاریخ آن؛
 ۲. تغییر راهبرد دشمن در اقدام علیه انقلاب اسلامی به جنگ نرم و هوشمند و ایجاد یک فضای درگیری جدید به نام فضای مجازی؛
 ۳. نفوذ شدید جریان مذاکره به ارکان نظام جمهوری اسلامی و تلاش آنها برای ایجاد گفتمان مذاکره با دشمن برای حل مشکلات داخلی.
- این بیانیه، اقدامی اساسی برای تبیین دقیق گفتمان انقلاب اسلامی و مأموریت اصلی و سیاست‌های کلان آن در عرصه چنین فرصت‌ها و تهدیدهایی است.

این بیانیه، در شرایطی صادر شده است که دو جریان مهم سیاسی در ایران حضور دارند؛ دو جریانی که اندیشه‌های‌شان، از بنیاد تا سطح، با هم تفاوت دارند: ۱. جریان انقلابی و استکبارستیز با راهبرد بنیادین مقاومت؛ ۲. جریان واداده و غرب‌گرا با راهبرد بنیادین مذاکره.

از دیدگاه جریان انقلابی، آمریکا و متحدان وی دشمن بوده و به جهت خوی استکباری قابل اعتماد نیستند؛ ولی جریان واداده، آمریکا و متحدان وی را تنها رقیب می‌بیند و نه بیشتر؛ رقیبی که بازیگر اصلی صحنه سیاست جهانی است و به جهت این موقعیت‌اش در نظام بین‌الملل باید جدی گرفته شود.

مبنای نگاه جریان انقلابی این است که اختلاف ما با غرب تحت رهبری آمریکا بنیادین است؛ زیرا آمریکا مستکبر است و ما استکبارستیز؛ اما جریان واداده اختلاف ما با غرب تحت رهبری آمریکا

را تنها در اختلافی سیاسی خلاصه می‌کند.

جریان انقلابی و درون‌نگر، پیشرفت را بر اساس آموزه‌های اسلامی تعریف کرده و راه آن توسعه و تعمیق اسلامیت در همه ارکان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور می‌دانند و در این راه به منابع داخلی نگاه کرده و آنها را قابل اتکا می‌بینند. در طرف مقابل، جریان تساهل، توسعه را مفهومی مدرن شمرده و راه آن را مدرنیزاسیون همه ارکان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور می‌داند. به همین جهت، از نظر آنان منابع داخلی مشکلات اساسی داشته و با نگاه به بیرون، برای توسعه چاره‌ای جز اتکا به منابع خارجی نمی‌بیند.

با توجه به این دیدگاه‌ها، راهبرد اساسی جریان انقلابی در برابر فشارهای غرب، مقاومت و ایستادگی است و از مذاکره به عنوان یک تاکتیک بهره می‌گیرد؛ اما در جریان مقابل، مذاکره با غرب و حتی مداخله، استراتژی اساسی است و این جریان از مقاومت تنها به عنوان یک تاکتیک در اصول رقابت بهره می‌برد.

رهبر انقلاب اسلامی، در شرایطی این بیانیه را صادر کرده که شخصاً رهبری و نظریه‌پردازی جریان انقلابی را نیز بر عهده دارد. این بیانیه، تأکید مضاعف بر دیدگاه‌های جریان انقلابی دارد و مقاومت را مطابق با شعارها و آرمان‌های انقلاب می‌داند. پس، این بیانیه در چارچوب‌های مقاومت صادر شده است. این اصول در ابعاد و سطوح مختلف حیات اجتماعی: سیاست، فرهنگ، اقتصاد، آموزش و پرورش، خدمات و رفاه، پژوهش و تولید علم، نظام اداری و مانند آنها قابل تعمیم است.

در سه جدول زیر، به برخی اختلافات دو جریان در چهار محور مهم اشاره شده است:

جدول ۱: تفاوت دو جریان در حوزه سیاست

اصول اساسی سیاست مذاکره‌ای	اصول اساسی سیاست مقاومتی	
غرب تحت رهبری آمریکا رقیبی در نظام سیاست جهانی و بازیگر اصلی این صحنه است و قواعد بازی را رعایت می‌کند.	غرب تحت رهبری آمریکا دشمنی استکبارخو و غیر قابل اعتماد است که در اولین فرصت در پی نابودی ما است.	شناخت غرب سیاسی
مبنای سیاست قدرت است و ما ناچار به تعامل با قدرت‌های بزرگ‌ایم. هر اختلافی با این قدرت‌ها در چارچوب بازی‌های سیاسی تعریف می‌شود.	مبنای سیاست عزت است. ما عزتی الهی را خواهیم و غرب عزتی شیطانی را خواهان است. هر اختلافی با غرب در چارچوب کسب، حفظ، رشد و نمایش عزت تعریف می‌شود.	اختلاف سیاسی با غرب
پیشرفت سیاسی با کسب جایگاه برتر در جهان در فرایند تثبیت شده جهانی شدن تعریف می‌شود.	پیشرفت سیاسی با پیشرفت در کسب، حفظ، رشد و نمایش عزت تعریف می‌شود.	تعریف پیشرفت سیاسی
عامل اساسی پیشرفت هم‌زیستی و تنش‌زدایی با قدرت‌های جهانی و توان بهره‌مندی بیشتر از قدرت آنان در صحنه سیاست داخلی و روابط بین‌الملل است.	عامل اساسی پیشرفت سیاسی بصیرت و اراده مردم در تمام سطوح است؛ اعم از عوام، خواص و مسئولان. البته زمینه لازم برای پیشرفت سیاسی، پیشرفت در دیگر نهادهای اجتماعی، مانند اقتصاد و فرهنگ است.	عامل پیشرفت سیاسی

جدول ۲: تفاوت دو جریان در حوزه فرهنگ

اصول اساسی فرهنگ مذاکره‌ای	اصول اساسی فرهنگ مقاومتی	
غرب در پی جهانی‌سازی تمام عناصر فرهنگ خود است و با این کار، عناصر سازنده فرهنگ غربی را به همه جهان عرضه می‌کند.	غرب تحت رهبری آمریکا با تهاجم فرهنگی در پی وارد کردن عناصر فرهنگی مخرب در میان ما است و هرگز عناصر فرهنگی سازنده خود را به ما عرضه نخواهد کرد.	شناخت غرب فرهنگی
پذیرش سبک زندگی غربی و نیز ساختارهای اجتماعی و فرهنگی غربی می‌تواند مطلوب به شمار آید. اختلاف فرهنگی با غرب با بومی‌سازی عناصر فرهنگی قابل رفع است.	سبک زندگی مطلوب و ساختارهای اجتماعی فرهنگی مطلوب بر اساس معارف و حیانی تعریف می‌شود و غرب در هیچ امر فرهنگی نمی‌تواند الگوی مناسبی برای ما باشد.	اختلاف فرهنگی با غرب
توسعه فرهنگی با توسعه سبک زندگی غربی و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی غرب تعریف می‌شود. می‌توان بومی‌سازی عناصر فرهنگ غربی را نیز در توسعه فرهنگی لحاظ کرد.	پیشرفت و رشد فرهنگی با پیشرفت حق‌طلبی و تفکر توحیدی در سبک زندگی و ساختارهای اجتماعی حاصل می‌شود.	تعریف پیشرفت فرهنگی
گسترش تعامل فرهنگی با غرب عامل اساسی توسعه فرهنگی است.	تعریف و ترویج عناصر فرهنگ بر اساس معارف و حیانی	عامل پیشرفت فرهنگی

جدول ۳: تفاوت دو جریان در حوزه اقتصاد

اصول اساسی اقتصاد مذاکره‌ای	اصول اساسی اقتصاد مقاومتی	
پذیرش حاکمیت اقتصاد غربی و اعتماد به نهادهای اقتصادی جهانی غربی تنها راه نجات اقتصاد ایران است.	غرب تلاش دارد اقتصاد ایران را به سقوط بکشانند و نهادهای اقتصادی جهانی که غرب تأسیس کرده است، قابل اعتماد نیستند.	شناخت غرب اقتصادی
اقتصاد مطلوب لیبرال و سرمایه‌مدار است. بنابراین، اختلاف با غرب بنیادین نیست. غرب تنها یک رقیب اقتصادی است و بازیگر اصلی و قابل اتکا در صحنه اقتصاد جهانی است.	اقتصاد مطلوب، مردم‌مدار و عدالت‌محور است. در این اقتصاد، هدف کمال انسانی است و اقتصاد وسیله‌ای برای رسیدن به این هدف است. هر اختلافی با غرب در این چارچوب تعریف می‌شود.	اختلاف با غرب اقتصادی
شاخص‌های توسعه اقتصادی بر اساس فرمول‌های ارائه شده از نهادهای اقتصادی غربی تعریف می‌شود.	شاخص‌های پیشرفت اقتصادی باید بر اساس عناصر اصلی هویت ملی، آرمان‌های اساسی و شرایط بومی تعریف شود.	تعریف پیشرفت اقتصادی
توسعه اقتصادی بدون اتکا به منابع اقتصادی خارجی ممکن نیست.	اتکا به منابع اقتصادی، اعم از سرمایه، نیروی انسانی، مدیریت، فناوری و منابع طبیعی ایران، عامل اساسی پیشرفت است.	عامل پیشرفت اقتصادی

نسبت بیانیه گام دوم با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

به دلیل اهمیت سند پایه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، آن را با بیانیه گام دوم مقایسه می‌کنیم.

سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، از اسناد بالادستی است که به نوعی بالاترین سند در حال تدوین و حاکم بر اسناد برنامه‌ای و مدیریتی کشور در افق ۵۰ ساله به شمار می‌آید. این سند، با هدف ریل‌گذاری «حرکت عقلانی، مؤمنانه و متعهدانه ملت و نظام جمهوری اسلامی در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست‌بوم ایران» تنظیم شده است. سند الگو، «معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی به سوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم‌قرن آینده است.» البته این سند، «با مشارکت گسترده متفکران و صاحب‌نظران ایرانی و بر اساس جهان‌بینی و اصول اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران، بر طبق روش‌های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده‌پژوهانه تحولات جهانی طراحی شده و شامل مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر است.»^۱

سند الگو، به حکم بالادستی بودن و بلکه بالاترین سند حاکم، می‌بایست جامع، متقن، گویا و مختصر باشد.

۱. متن سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت

این مکتوب، در پی نقد این سند نیست؛ بلکه هدف آن، صرفاً مقایسه بین سند و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در محورهای گفته شده، آن هم به نحو اجمال، است. بنابراین، می‌توان بین بیانیه و این سند، از جهت خاستگاه، محتوا، کارکرد، ادبیات و ضرب‌آهنگ مقایسه تطبیقی کرد.

از جهت خاستگاه، سند الگو براساس نیاز کشور به تدوین برنامه‌های بلندمدت شکل گرفته است. امری که در مدیریت سایر کشورها نیز به آن توجه شده و جای خالی آن در اسناد بالادستی احساس می‌شود. بیانیه گام دوم نیز، در فضای رجزخوانی استکبار جهانی و خواب پریشان‌بی‌تعبیر آنها در افول انقلاب اسلامی در چهل سالگی آن صادر شده است.

از حیث کارکرد، جهت اشتراک این دو سند، گفتمان‌سازی است. گفتمان‌سازی، هم در بین نخبگان و هم عموم مردم. گفتمان‌سازی، سوق دادن ذهن‌ها به سمت نقاط اساسی و کلیدی و ایجاد مطالبه و تلاش برای دستیابی به آنها است. سند پایه الگو، متکفل سوق دادن ذهن‌ها به سمت مدل حرکت رو به جلو و مستقل و دیدن عیوب وابستگی به الگوهای بیگانه است؛ اما بیانیه گام دوم، جهت‌دهی ذهن‌ها به راه آزموده شده و ثمربخش انقلاب اسلامی و دستاوردها و ظرفیت‌ها و نشاط آن جهت پیمودن قله‌های عزت و پیشرفت است. علی‌رغم این اشتراک، جهت افتراق این دو نیز نباید فراموش شود. سند الگو، سندی مدیریتی است که وضعیت مطلوب ایران در ۵۰ سال آینده را مشخص می‌کند و تبلور آن در تدابیر ۵۶ گانه‌ای است که در انتهای سند بیان شده است. هرچند این سند، در بخش مبانی، به

مباحثی چون مبانی خداشناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی و دین‌شناختی می‌پردازد؛ اما همه اینها در حکم مبادی تصدیقیه برای سایر بخش‌های سند است. اما بیانیه گام دوم، سندی مدیریتی نیست. البته حاوی مطالبی اساسی است که می‌تواند منبعی برای استخراج سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریتی و مصحح و هادی جهت‌گیری‌های مدیران کشور قرار بگیرد.

تفاوت ادبیات و لحن این دو سند کاملاً واضح و البته تا حدودی طبیعی است. اولاً بیانیه از قلم و زبان سکاندار انقلاب تراش یافته؛ حال آنکه سند الگو را دیگران تهیه و تدوین کرده‌اند. ثانیاً تفاوت خاستگاه و کارکرد، بیانیه را با ادبیاتی صریح و انقلابی با موضوعی شفاف برابر دشمن و استکبار، به خصوص امریکا، عجین کرده است؛ درحالی که این امر در سند الگو بسیار کمرنگ دیده شده است؛ هرچند که کارکرد و خاستگاه سند الگو چیز دیگری است؛ لکن در بخش مبانی و برخی تک‌مضرا ب‌ها در خصوص انقلاب اسلامی، این امر با ادبیات مستحکم‌تری باید بیان می‌شد.

از جهت ضرب‌آهنگ می‌توان گفت که در بیانیه گام دوم، بازکردن حلقه مدیریتی کشور و سپردن کارها به مدیران جوان جهادی دانا و توانا و استفاده از ظرفیت عظیم جوانان برای اداره و پیشرفت کشور و مهیا شدن جوانان برای شانه دادن زیر بار رسالت‌های انقلاب اسلامی، روح کلی این بیانیه است. هرچند که به این موضوع در متن بیانیه نیز تصریح شده است؛ اما تجربه استفاده از

جوانان در شروع و ادامه حرکت انقلاب و مدیریت دفاع مقدس و فتح قله‌های علمی و ... و وضع کنونی مدیریتی کشور و نیاز انقلاب چهل ساله به انگیزه‌های نو و همت‌های والا و شخصیت‌های خالی از آسیب‌ها و ویروس‌های دنیازدگی و رفاه‌طلبی، راه برون رفت از مشکلات فعلی و تضمین آینده کشور را سپردن امور به جوانان متعهد و کارآمد با روحیه جهادی و ریسک‌پذیر می‌داند. اما سند الگو، به حکم مدیریتی و بالادستی بودن و ترسیم‌کننده افق ۵۰ ساله آینده کشور، کلی است و ضرب‌آهنگ کلی آن، رساندن ایران اسلامی به جایگاه شایسته و بایسته در چهار عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی در منطقه و جهان بعد از پنج دهه است.

از حیث محتوا نیز می‌توان این دو سند را با یک‌دیگر مقایسه کرد. این دو سند، هرچند اشتراکات بسیاری در مضمون دارند؛ به طوری که می‌توان گفت این دو از یک سرچشمه معرفتی و زاویه دید و تا حدودی وحدت در سلیقه مدیریتی بهره‌مندند؛ با این حال، افتراقاتی نیز بین این دو سند وجود دارد؛ زیرا بسیاری از مطالب بیانیه منطبق با بخش‌های مختلف، به خصوص مبانی بیان شده در سند الگو است؛ از جمله:

آنچه که در بیانیه در مباحث ماهوی و نظری بیان شده است؛ مانند «آغازگری انقلاب اسلامی در عصر جدید با طرح دین و

دنیا در کنار هم»،^۱ «جهانی و فطری بودن شعارهای انقلاب اسلامی»،^۲ «مدیریت جهادی عامل عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها»،^۳ «اراده ملی جان مایه پیشرفت حقیقی و همه جانبه».^۴

مسائل مرتبط با عدالت؛ مانند «سنگین شدن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی به برکت انقلاب»، «غیرقابل مقایسه بودن دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی پس از انقلاب با هیچ‌یک از ادوار گذشته»، فاصله زیاد عدالت محقق شده در کشور با عدالت مورد انتظار نظام».^۵

۱. در مبانی دین‌شناختی و جهان‌شناختی سند آمده است: «دین، دستگاه جامع معرفتی- معیشتی است که از سوی خداوند متعال برای تأمین کمال و سعادت دنیوی و اخروی آدمیان نازل شده است. // نظام علی- معلولی بر جهان حاکم است. جهان مادی در طول عالم ماورا است و عوامل مؤثر در آن منحصر به علل مادی و طبیعی نیست. // جهان محل عمل و آزمایش و بستر تکامل و تعالی و یا سقوط معنوی اختیاری انسان است و بر اساس سنت‌های الهی به کردارهای آدمیان واکنش نشان می‌دهد. // خداوند جهان مادی را در خدمت انسان که امانتدار و آبادکننده آن است، قرار داده که در صورت بهره‌برداری کارآمد و عادلانه، تأمین‌کننده نیازهای او است».

۲. در مبانی دین‌شناختی سند آمده است: «اسلام با نظام هستی و سرشت انسان، هماهنگی دارد و نقش بدیل‌ناپذیری در تأمین نیازهای نظری و عملی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی ایفا می‌کند. به همین جهت، استطاعت کامل برای تمدن‌سازی و ارائه الگوی پیشرفت دارد».

۳. در بخش تدابیر سند آمده است: «تربیت نیروی انسانی توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت جمعی با تأکید بر فرهنگ جهادی و محکم‌کاری // ترویج عقلانیت و روحیه جهادی در جهان اسلام و حمایت از حرکت‌های اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش و استیفای حقوق مردم فلسطین» و نیز در بخش افق سند آمده است: «در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی مردم ایران دیندار، عموماً پیرو قرآن کریم، سنت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) و با سبک زندگی و خانواده اسلامی ایرانی و روحیه جهادی، قانون‌مدار، پاسدار ارزش‌ها، ...».

۴. در مبانی جامعه‌شناختی سند آمده است: «شماری از سنت‌های الهی حاکم بر جوامع و تاریخ عبارت‌اند از: پیوند تحولات اجتماعی با نفس و اراده انسان؛ ... // پیشرفت حقیقی با هدایت دین اسلام، رهبری پیشوای الهی، مشارکت و اتحاد مردم و توجه به غایت پایدار تحقق کلمه الله حاصل می‌شود»

۵. موارد مشابه و نزدیک به این را می‌توان در مبانی انسان‌شناختی سند، در بخش افق سند و نیز تدابیر سند در بندهای ۱۱ و ۲۱ و ۲۳ و ۲۴ و ۴۵ و ۵۱ مشاهده کرد.

مسائل مرتبط با علم و پژوهش؛ مانند «نیازمندی کشور به جوشاندن چشمه‌های دانش در میان خود»، «لزوم حفظ شتاب بالا در رشد علمی برای سالیان متمادی».^۱

مسائل مرتبط با معنویت و اخلاق؛ مانند «معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه»، تلاش مجاهدانه و همراهی و پشتیبانی حکومت‌ها دو عامل مؤثر در افزایش شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه».^۲

مسائل مرتبط با اقتصاد؛ مانند «چالش درونی اقتصاد: عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی، چالش بیرونی اقتصاد: تحریم و وسوسه‌های دشمن، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی راه حل مشکلات اقتصادی کشور، بخش‌های مهم اقتصاد مقاومتی: درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدّی‌گری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌ها».^۳

مسائل مرتبط با استقلال و آزادی؛ مانند «موظف بودن حکومت‌ها به تأمین استقلال (آزادی ملت و حکومت از تحمیل زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر) و آزادی اجتماعی (حقّ تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه)، حراست از استقلال و آزادی، وظیفه همگانی مخصوصاً دولت، عدم تقابل آزادی با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی، عدم

۱. در بخش افق سند و نیز بخش تدابیر بندهای ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ و ۲۳ و ۳۹ به این امور و راهکارهای آن اشاره شده است.

۲. در بخش‌های مبانی انسان‌شناختی، دین‌شناختی، افق و تدابیر سند بند ۴ و ۴۳ به این امور اشاره شده است.

۳. در مبانی جامعه‌شناختی، افق و تدابیر سند بندهای ۲۰ و ۲۲ و ۲۶ و ۲۷ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ تا حدودی به این امور و راهکارهای آن اشاره شده است.

منافات استقلال با تعامل سیاسی و اقتصادی با خارج از مرزها»^۱.
مسائل مرتبط با عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن؛ مانند «عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن شاخه‌هایی از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌المللی، لزوم تحفظ بر ارزش‌های انقلابی و ملی و نهراسیدن از تهدیدهای پوچ سردمداران نظام سلطه»^۲.
مسائل مرتبط با سبک زندگی؛ مانند «لزوم جهاد همه‌جانبه و هوشمندانه با سبک زندگی غربی»^۳.
نمونه‌های یادشده را می‌توان مستقیماً یا با ترکیب موارد مختلف مطرح در سند الگو نیز مشاهده کرد.

البته در سند الگو، به برخی موضوعات مطرح در بیانیه یا اصلاً اشاره‌ای نشده یا بسیار کمرنگ است. با توجه به بالادستی بودن و مدیریتی بودن سند الگو و کلیدی بودن این مباحث، باید به این دست موضوعات هم توجه ویژه و بازنویسی مجددی شود؛ مانند موضوع نظریه نظام انقلابی (جوشش انقلابی

۱. به این امور در بخش مبانی انسان‌شناختی سند و نیز بخش آرمان‌ها و افق و تدابیر ۴۹ اشاره شده است. در بخش مبانی انسان‌شناختی سند الگو آمده است: «با توجه به مبادی پیش‌گفته، انسان دارای حقوقی از جمله حق حیات معقول، آگاهی، زیست معنوی و اخلاقی، دینداری، آزادی توأم با مسئولیت، تعیین سرنوشت و برخورداری از دادرسی عادلانه است.» و نیز در بخش تدابیر سند الگو آمده است: «اجرای کامل ضمانت‌های پیش‌بینی شده در قانون اساسی در حوزه آزادی‌های فردی و اجتماعی و آموزش و ترویج حقوق و تکالیف شهروندی و تقویت احساس آزادی در آحاد جامعه».

۲. در بخش آرمان‌ها، افق و تدابیر بندهای ۱ تا ۶ و نیز بندهای ۵۳ تا ۵۶ به این امور اشاره شده است.

۳. در بخش تدابیر سند بند ۹ آمده است: «تبیین، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی ایرانی سالم و خانواده‌محور با تسهیل ازدواج و تحکیم خانواده و ارتقای فرهنگ سلامت در همه ابعاد.» به بحث سبک زندگی در بخش افق سند نیز اشاره‌ای شده است.

در عین نظم سیاسی و اجتماعی، موضوعاتی که دال بر جدانشدنی بودن هویت انقلاب و نظام از امام راحل (ره) و اندیشه او دارند، مسئله تقابل با استکبار جهانی و حمایت از مستضعفان عالم به عنوان پدیده دنیای معاصر، سپردن امور به جوانان^۱ که محوری‌ترین بخش سند الگو است.

ضمناً برخی موضوعات مهم و اساسی مطرح در بیانیه که در حکم وضعیت‌شناسی و ظرفیت‌شناسی‌های مرتبط با کشور و نظام و انقلاب و جهان است^۲ یا موارد مرتبط با شأن نزول و شرایط زمانی صدور بیانیه،^۱

۱. در بیانیه در بخش‌های مختلف، مطالب ذیل آمده است: «جوانان محور تحقق الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی»، «لزوم پیشگامی جوانان در شکستن محاصره تبلیغاتی و رسانه‌ای دشمن»، «لزوم میدان‌داری اقتصادی در دوران پیش رو توسط مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت»، «تحقق سیاست‌ها و قوانین در زمینه عدالت با سپرده شدن زمام اداره بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان».

۲. مواردی چون: «نمودهای افزایش اخلاق و معنویت به برکت انقلاب (مجاهدت‌های دفاع مقدس، صبر و گذشت پدران و مادران شهدا، رونق بی‌سابقه مساجد، اقبال به اعتکاف، اردوهای جهادی، پیاده‌روی در زیارات، نماز و حج، صدقات و انفاقات واجب و مستحب و...)»، «نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور». «بخش‌های از ظرفیت‌های کشور: جمعیت جوان زیر ۴۰ سال، تحصیلات عالی نزدیک به ۱۴ میلیون نفر، رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، بالاتر بودن استعداد علم و تحقیق از متوسط جهانی، جوانان محقق و اندیشمند شاغل به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره، منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع»، «مهم‌ترین عیوب اقتصادی: وابستگی به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی»، «رتبه نخست ایران در جهان در ظرفیت‌های استفاده‌نشده طبیعی و انسانی»، «بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی

لزومی ندارد که در سند الگو گنجانده شود. البته باید به عنوان اسناد پشتیبان و واقعیت‌ها و فرصت‌های موجود کشور و نظام، مورد توجه تنظیم‌کنندگان سند الگو قرار گیرد.

بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم، شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه، گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه، «شگردهای تبلیغی در مایوس کردن از آینده: خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ»، «چالش‌های جدید استکبار با انقلاب: حضور مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی، انتقال سلاح‌های پیشرفته به جریان مقاومت، تمسک به ائتلاف با دولت‌های معاند و مرعوب برای مقابله با انقلاب»، «ویژگی‌های نظام برآمده از انقلاب: مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد» و یا موضوعات مرتبط با دست‌آوردهای انقلاب اسلامی از جمله: «انقلاب تضمین‌کننده ثبات، امنیت و تمامیت ارضی کشور»، «انقلاب، موتور پیشران در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی»، «برخورداری از جایگاه مرجعیت علمی در برخی رشته‌ها در سایه انقلاب»، «به اوج رسیدن مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم بعد از انقلاب»، «ارتقای شگفت‌آور بینش سیاسی مردم و فهم مسائل بین‌المللی در پرتو انقلاب»، «رویکرد دینی و اخلاقی نظام عامل جذب جوانان».

۱. مانند برخی موضوعات مرتبط با تحریم‌ها؛ از جمله: «خطایی نابخشودنی و تحلیل سراپا غلط در حوزه اقتصاد: گره‌زدن صرف مشکلات اقتصادی به تحریم‌ها و به مقاومت ضداستکباری در برابر دشمن»، «تحریم منشا اتکای به توان داخلی» و نیز مسائل مرتبط با مسئله آمریکا و اروپا مانند «خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد بودن آمریکا و برخی کشورهای اروپایی و لزوم حفظ مرزبندی با آنان»، «غیرقابل حل بودن مشکل با امریکا»، «تنها دست‌آورد مذاکره با امریکا: زبان مادی و معنوی»، «حل مشکلات قابل حل با کشورهای اروپایی با لحاظ عزت، حکمت و مصلحت و از موضع انقلابی».

فصل دوم :

گزارش تحلیلی از مفاد بیانیه

برای اینکه الزامات راهبردی بیانیه روشن شود، لازم است از مفاد بیانیه گزارشی تحلیلی در دست داشته باشیم. این بیانیه مشتمل بر مطالب زیر است:

مبانی بیانیه

با اینکه تبیین مبانی فلسفی و اعتقادی انقلاب اسلامی، مسئله صریح این نوشتار نبوده؛ اما در این بیانیه اشارات مناسبی به این مبانی شده است؛ از جمله:

۱. فطرت‌مندی بشر با فطرت واحد در همه جهان؛
۲. خوش‌بینی به نوع انسان؛
۳. اسلام به عنوان دین نجات‌بخش؛
۴. قابل اتکا بودن هدایت الهی؛
۵. اعتقاد به ظهور دولت کریمه و ولایت عظمای مهدوی؛
۶. اهتمام به عدالت؛
۷. اهتمام به معنویت و اخلاق؛
۸. توجه به تجربه گذشتگان برای عمل در آینده.

پیام اصلی بیانیه

پیام اصلی این بیانیه، معرفی «نظریه نظام انقلابی» است. در این بیانیه، برای نخستین بار از این نظریه نام برده شده است. البته اصل نظریه هرگز از دید رهبر انقلاب اسلامی دور نبوده و همواره بر انقلابی بودن و انقلابی ماندن تأکید کرده و حتی خود را نه یک دیپلمات، که یک انقلابی خوانده است. انقلاب اسلامی، انقلابی فقط برای برچیدن یک نظام سیاسی و ایجاد یک نظام سیاسی جدید به جای آن نبود؛ بلکه انقلابی برای ایجاد یک تمدن جدید بود و این انقلاب، حتی پس از تأسیس نظام سیاسی نیز باقی می‌ماند. شعارها و آرمان‌های این انقلاب فطری‌اند و فطرت بشری پایدار است؛ نه وابسته به زوال و پیدایش نظام‌های سیاسی.

نظریه نظام انقلابی، انقلاب را به مثابه یک جریان ماندگار در نظر می‌گیرد. بنابراین، مسائلی همچون: این انقلاب از کجا نشئت گرفت؟ چگونه به وضع موجود رسید؟ چه نگاهی به جهان و انسان دارد؟ چرا انقلاب باید بماند و چگونه باید بماند؟ در این نظریه مهم است و این بیانیه، دقیقاً به همین مسائل می‌پردازد. حتی در آسیب‌شناسی این انقلاب تصریح می‌کند که بسیاری از خسارت‌ها و دست نیافتن به دستاوردهای مورد نظر، ناشی از بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلاب بوده است.

در این بیانیه، انقلاب اسلامی ایران با چند ویژگی مهم، از انقلاب‌های دیگر متمایز می‌شود:

۱. حفظ آرمان‌ها و خیانت نکردن به آنها، با وجود گذر از مرحله اول انقلاب و ورود به مرحله دوم؛
 ۲. شکستن چارچوب‌های معمول در نظام بین الملل و آغاز یک عصر جدید با تبدیل جهان دو قطبی شرق و غرب به جهان دو قطبی اسلام و استکبار؛
 ۳. آغاز انقلاب از نقطه صفر: بدون امکانات لازم، بدون تجربه پیشین و متکی به شعار «ما می‌توانیم»؛
 ۴. ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران؛
 ۵. راه‌اندازی موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی و نهادینه کردن شعار «ما می‌توانیم»؛
 ۶. به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی؛
 ۷. ارتقای شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم؛
 ۸. سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور؛
 ۹. افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه؛
 ۱۰. ایستادگی روزافزون برابر قلدران، زورگویان و مستکبران جهان.
- این بیانیه، با واقع‌گرایی، به آسیب‌های انقلاب اسلامی ایران نیز اشاره دارد؛ از جمله: نارسایی در عدالت و بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله. با این حال، امیدبخشی در جای‌جای بیانیه موج می‌زند.
- همچنین، این بیانیه راهبرد تداوم انقلاب اسلامی ایران در چهل سال

دوم را التفات، پیشرفت و تعمیق در این هفت بُعد دانسته است: یک. علم و پژوهش؛ دو. معنویت و اخلاق؛ سه. اقتصاد؛ چهار. عدالت و مبارزه با فساد؛ پنج. استقلال و آزادی؛ شش. عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن؛ هفت. سبک زندگی اسلامی ایرانی.

مفهوم نظام انقلابی، واژه‌ای بدیع در این بیانیه است که در باره آن باید بیشتر سخن گفت. «نظریه نظام انقلابی» شامل دو مسئله اساسی است: ۱. توصیف: انقلاب اسلامی هرگز به پایان نمی‌رسد، زیرا شعارها و آرمان‌هایش فطری است؛

۲. توصیه‌ای: انقلاب اسلامی ایران چه رویکردی در پیش داشته باشد که به پایان نرسد و به مرحله انقلاب‌زدایی گرفتار نشود؟ پاسخ رهبر انقلاب این است که رویکرد حفظ اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی عامل اساسی حفظ آن است و اگر چنین نباشد، از جمهوری اسلامی جز یک پوسته باقی نخواهد ماند. بر همین اساس است که تصریح می‌کند برای جمهوری اسلامی مهم است که چرا بماند و چگونه بماند.

در این بیانیه، ماهیت انقلاب اسلامی، انقلابی دینی با شعارها و آرمان‌هایی هماهنگ با فطرت بشری شناخته شده با تأکید بر مأموریت جهانی است. به دلیل هماهنگی شعارها و آرمان‌های این انقلاب با فطرت بشری، این انقلاب، جهانی (همه‌جایی)، ابدی (همه‌زمانی) و منعطف در مواجهه با واقعیات خارجی است. نتیجه این ویژگی‌های سه‌گانه، این است که مفهوم «نظام انقلابی» مفهومی پارادوکسیکال نیست؛ بلکه معنادار بوده و در واقع، انقلاب اسلامی از «نظریه نظام انقلابی» دفاع می‌کند.

مفاد بخش اول بیانیه: جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

بخش اول بیانیه، به جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی اختصاص دارد؛ یعنی می‌خواهد بگوید انقلاب اسلامی چرا و چگونه روی داده است؟ پاسخ امام خامنه‌ای به این پرسش، شامل چند نکته است؛ از جمله: انقلاب در هر جامعه‌ای رخ نمی‌دهد و در هر جامعه‌ای که انقلاب رخ داده، آرمان‌های انقلاب پایدار نمانده است. پیدایش این پدیده نیازمند جامعه‌ای ویژه با انقلابی ویژه است. ایشان، به ویژگی‌های این جامعه و این انقلاب اشاره می‌کند و وجوه تمایز آن با انقلاب‌های دیگر را بیان می‌کند. مجموعه این ویژگی‌ها به طور خلاصه چنین است:

۱. انقلاب اسلامی، سخنی جدید بود در جهانی تقسیم شده میان شرق و غرب؛
۲. شعارهای انقلاب اسلامی، شعارهایی سرشته با فطرت انسانی است: آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری؛
۳. نظام برخاسته از انقلاب اسلامی، نظامی انقلابی است و انقلاب اسلامی تعارضی میان ثبات نظام و انقلاب نمی‌بیند؛
۴. انقلاب اسلامی، برابر انتقاد انعطاف‌پذیر بوده و آماده اصلاح خطاهای خویش است؛
۵. برای جمهوری اسلامی، یعنی نظام برخاسته از انقلاب اسلامی، مهم است که چرا بماند و چگونه بماند؛
۶. انقلاب اسلامی، گرفتار افراط و تفریط نشده، قدرت را با مهربانی جمع کرده، جنگی را آغاز نکرده، اما پاسخ متجاوز را با قدرت داده، نه

بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد؛
 ۷. انقلاب اسلامی با جوانمردی و مروّت انقلابی، با صداقت و صراحت و اقتدار، با دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان مانده و برابر زورگویان ایستاده است.

مفاد بخش دوم بیانیه: تحلیل تاریخی انقلاب اسلامی

امام خامنه‌ای، در این بخش، دورنمایی را از تاریخ انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد. هدف ایشان از بیان این دورنما، دادن تجربه نسل انقلاب، به نسلی است که قرار است گام دوم انقلاب را بردارند و با تحویل آن به نسل‌های بعد، آن را به آرمان بزرگ ایجاد تمدّن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه)، نزدیک کنند. این دورنما، شامل پنج نکته زیر است:

۱. انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه صفر آغاز شد. همه چیز علیه آن بود و تجربه‌ای از پیش نداشت؛ زیرا به جهت تفاوت ماهوی با انقلاب‌های پیشین، نمی‌توانست از تجربه آنها استفاده کند؛
۲. انقلاب اسلامی، جهان دو قطبی شرق و غرب را به جهان سه قطبی و با فروپاشی شرق، به جهان دو قطبی اسلام و استکبار تبدیل کرد؛
۳. با روشن شدن قدرت انقلاب اسلامی، دشمنی‌ها با آن روزافزون اضافه شد؛ اما با رهبری آسمانی و تأییدشده امام خمینی (ره) برابر دشمنی‌ها پیروز شد؛

۴. مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل

«ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید؛

۵. برکات بسیاری از این انقلاب حاصل شد که تثبیت ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها بخشی از آنها است. بنابراین، موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی، به اوج رسیدن مشارکت مردمی در عرصه سیاسی و اجتماعی، ارتقای بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی، تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی و خارج کردن این سطح، از انحصار طبقه محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر است. همچنین، احیای مفهوم و کارکرد عدالت در ایران در همه سطوح، افزایش چشمگیر عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه، تبدیل ایران به نماد پرآهت و با شکوه و افتخارآمیز ایستادگی برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار.

مفاد بخش سوم بیانیه: وضع موجود انقلاب اسلامی

امام خامنه‌ای، پس از اشاره به گذشته انقلاب اسلامی، وضع موجود را توصیف می‌کند. توصیف وضع موجود، شامل این چند نکته است.

۱. ملت و کشور ایران، به عنوان کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل

جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی و ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است؛

۲. تغییر سطح و جبهه درگیری با دشمن با شکست‌های پی‌درپی دشمن و پیروزی‌های مکرر ایران؛

۳. ظرفیت‌های امیدبخش کشور، شامل نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی و فرصت‌های مادی کشور با فهرستی طولانی: هفت درصد ذخایر معدنی جهان، موقعیت استثنایی جغرافیایی میان شرق غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع و بسیاری از ظرفیت‌های دست‌نخورده.

مفاد بخش چهارم بیانیه: ترسیم آینده انقلاب اسلامی

امام خامنه‌ای، در این بیانیه، از آینده هم‌تصویر روشنی می‌دهد. ایشان، در ترسیم آینده انقلاب اسلامی به نکات زیر اشاره می‌فرمایند:

۱. در باره آمریکا: «با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند»؛

۲. در باره فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها: «بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد»؛
۳. در باره ظرفیت‌های استفاده‌نشده طبیعی و انسانی: «بی‌شک شما جوانان مؤمن و پُر تلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید».

بر اساس نظریه‌های آینده‌پژوهی، آینده‌نگری و آینده‌نگاری، بدون آشنایی با سیاست‌ها و برنامه‌های دشمن و تدوین راهبردهای متقابل در برابر آنها ممکن نیست. به همین دلیل، دشمن‌شناسی و بیان سیاست‌ها و برنامه‌های آنها در این بخش بیانیه کاملاً مورد توجه است؛ از جمله:

دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی در باره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنزان فکر و عقیده و آگاهی بسیاراند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید.

همچنین، امام خامنه‌ای در آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، به دو نکته اساسی توجه دارد:

۱. در عین توجه به فاصله واقعیت‌ها و بایدها و اذغان به وجود آسیب در واقعیت، بی‌انصافی در تحلیل واقعیت‌ها را نمی‌پذیرد. ایشان، برای تحلیل واقعیت‌ها، به سه معیار توجه می‌دهد: الف. فاصله با بایدها؛ ب. فاصله با وضع دوره طاغوت؛ ج. مقایسه با مدّت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگ؛ مانند انقلاب فرانسه، انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند. در عین حال، انعکاس ناقص خدمات را یکی از علل سوء فهم از

وضع موجود می‌داند.

۲. محور آسیب‌ها را بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی می‌داند و بر آن است که اگر این آسیب نبود، بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نداشت.

مفاد بخش پنجم بیانیه: سیاست‌های مرتبط با هفت موضوع اساسی

نتیجه نهایی این توصیفات، ارائه سیاست‌هایی در هفت موضوع اساسی برای جهت دادن انقلاب اسلامی در گام دوم است؛ اما کلید اساسی تحقق این سیاست‌ها را «امید و نگاه خوش‌بینانه صادق و متکی به واقعیت‌های عینی به آینده» می‌داند. سرفصل‌های سیاست‌های هفت‌گانه عبارت است از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.

این سیاست‌ها، بیانگر مسیر و جهت حرکت انقلاب اسلامی تا رسیدن به آرمان بزرگ تمدن اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌افاده) است. البته سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های مطرح شده در این بیانیه، به این هفت موضوع محدود نمی‌شود؛ بلکه سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های کلان‌تر دیگری نیز در این بیانیه مطرح شده که برخی از این قرار است:

۱. گام‌های انقلاب اسلامی با گام‌های خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی تعریف می‌شود؛
۲. شعارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی فطری و بنابراین، جهانی و ابدی‌اند؛ نه وابسته به زمان، مکان، قومیت و مانند آنها؛
۳. انعطاف و آمادگی برای تصحیح خطاها و احساس و ادراک پدیده‌ها و موقعیت‌های نوبه‌نو، برای انقلاب اسلامی لازم است؛ اما این به معنای تجدیدنظرپذیری و انفعال نیست. برای انقلاب اسلامی، مهم است که چرا بماند و چگونه بماند؛
۴. نظام بر آمده از انقلاب اسلامی، نظامی انقلابی است و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند؛ بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند؛
۵. توجه به تاریخ برای گوش سپردن به تجربه دیگران است؛
۶. بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی خسارت‌بار است؛
۷. استفاده از ظرفیت‌ها، باید حداکثری باشد؛
۸. زمام اداره بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمد الله کم نیستند - سپرده شود.
بر اساس آنچه در این بخش گفته شد، سیاست‌ها مطرح در باره موضوعات هفت‌گانه یاد شده، عبارت‌اند از:
 ۱. دانش و پژوهش:

الف. جوشاندن چشمه دانش، به عنوان آشکارترین وسیله عزت و

قدرت و ثروت یک کشور و عبور از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها، با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد، ضروری است. ب. شتاب علمی باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد که عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی و قاجار جبران شود.

۲. معنویت و اخلاق:

الف. معنویت به معنای برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است.

ب. اخلاق به معنای رعایت فضیلت‌هایی همچون: خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است.

ج. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکات و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است.

د. رشد شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه، محتاج جهاد و تلاش است.

هـ. تلاش و جهاد برای رشد شعور معنوی و وجدان اخلاقی، بدون همراهی هوشمندانه و کاملاً مسئولانه حکومت‌ها توفیق‌چندانی نخواهد یافت؛ اما نه با دستور و فرمان و قدرت قاهره؛ بلکه: ۱. با منش و رفتار اخلاقی و معنوی؛ ۲. ایجاد زمینه برای رواج آن در جامعه؛ ۳. میدان دادن و کمک به نهادهای اجتماعی در این باره؛ ۴. ستیز با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول؛ ۵. وظایف سنگین دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره، به معنای رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای

غیرحکومتی نیست؛ ۶. در دوره پیش‌رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود.

۳. اقتصاد:

الف. با توجه به تأثیر اقتصاد در قدرت و استقلال کشور و در فقر و غنای مادیات و معنویات بشر و ضرورت آن برای رسیدن به اهداف، تقویت اقتصاد مستقل کشور، بر پایه تولید انبوه و باکیفیت، توزیع عدالت‌محور، مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه لازم است.

ب. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باید با برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود.

ج. برخی بخش‌های مهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی عبارت‌اند از:
۱. درون‌زایی اقتصاد کشور؛ ۲. موگد شدن و دانش‌بنیان شدن آن؛ ۳. مردمی کردن اقتصاد و تصدّی‌گری نکردن دولت؛ ۴. برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌های رها شده و استفاده نشده؛ ۴. ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد؛ ۵. رعایت اولویت‌ها؛ ۶. سپردن مدیریت اقتصاد در دولت، به یک مجموعه جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی.

۴. عدالت و مبارزه با فساد:

الف. طهارت اقتصادی، شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است.

ب. دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیّت و حسّاسیّت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند.

ج. عدالت، در صدر هدف‌های اوّلیه همه بعثت‌های الهی است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولیّ عصر (ارواحنا فداه) میسر نخواهد شد؛ ولی به صورت نسبی، همه‌جا و همه‌وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده همه، به ویژه حاکمان و قدرتمندان، است. توجه به فاصله واقعیت با باید، در صدر سیاست‌های اجرایی عدالت است.

د. علاوه بر اجرای عدالت، توضیح و تشریح آن لازم است تا حدی که احساس اجرای عدالت حاصل شود.

هـ. کسب ثروت مطلوب است؛ اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریب‌گران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، همچنین، غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به شدّت ممنوع است.

۵. استقلال و آزادی:

الف. استقلال ملّی، به معنای آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است.

ب. آزادی اجتماعی، به معنای حقّ تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است.

ج. حکومت‌ها، موظّف به تأمین استقلال ملّی و آزادی اجتماعی‌اند.
د. «استقلال» نباید به معنای زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و

ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

۶. عزّت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن:

الف. عزّت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، شاخه‌هایی از

اصل «عزّت، حکمت و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند.

ب. دولت جمهوری اسلامی، باید مرزبندی خود را با سردمداران

نظام سلطه به دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک

گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ در همه حال،

عزّت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و

مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حلّ خود را با

آنان حل کند. در باره آمریکا، حلّ هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره

با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

۷. سبک زندگی:

جهاد همه‌جانبه و هوشمندانه در برابر تلاش غرب در ترویج سبک

زندگی غربی در ایران. (تفصیل سیاست‌ها در این باره، به دیگر بیانات

ارجاع شده است).

فصل سوم :

الزامات راهبردی بیانیه برای حوزه‌های علمیه

حوزه های علمیه، نقشی بی بدیل در ایجاد و حفظ انقلاب اسلامی در گام اول داشته است. در ادامه نیز باید نقش محوری خود را در گام دوم انقلاب، در سه عرصه خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی ایفا کند. این بیانیه، برای این نهاد مقدس، الزاماتی راهبردی را به همراه دارد که در این فصل، به اهم آنها اشاره می شود.

الف. گفتمان سازی بیانیه

این بیانیه، جز با گفتمان سازی عمومی و نخبگانی محقق نمی شود. بنابراین، هر گونه سیاست اجرایی برای تحقق آرمان های مذکور در این بیانیه، در چارچوب گفتمان سازی آن تعریف می شود؛ اما باید توجه شود که مراد از گفتمان در این تحقیق، معنای مورد نظر نظریه پردازان گفتمان نیست. از دید آنان، وقتی گروهی در باره موضوعی با یک دیگر سخن می گویند و معنای سخنان یک دیگر را درک کرده و هر سخنی به گونه ای در ارتباط با سخنان دیگران قرار گرفته و گفت و گوی مشترک ادامه می یابد، گفتمان تشکیل شده است. به این معنا، می توان گفتمان را کسب موقعیت در یک گروه یا جامعه و مشارکت مؤثر و فعال در آن

دانست. بنابراین، رابطه مستقیم گفتمان با جامعه‌پذیری و حتی اشاعه و انتقال فرهنگی، امری پنهان نیست؛ اما در این پژوهش، معنای گفتمان فراتر از این اصطلاح بوده و مفهومی صرفاً اجتماعی نیست.

بنابراین، در معنای مورد نظر این تحلیل، اگر گفتاری نظام‌مند و ماندگار شده، در سطح فراگیری کاربرد پیدا کند و اصول کلی در زندگی _ که مبدأ هر گونه انتخاب و تحول در نحوه زندگی انسان‌ها است _ مبتنی بر آن شود، گفتمان تحقق یافته است. به تعبیر دیگر، گفتمان، عبارت است از: مجموعه‌ای محدود از اصول و پایه‌های حاکم بر زندگی که انسان‌ها آنها را با آگاهی و آزادی پذیرفته باشند؛ به گونه‌ای که مجموعه باورها، عقاید، دانستن‌ها، شناختن‌ها، فهمیدن‌ها، ملکات نفسانی، احساسات، حالات، گرایش‌ها، روابط، موقعیت‌ها، نقش‌ها، جبهه‌بندی‌ها، اراده‌ها و حرکت‌های خود را با آن اصول تعریف نمایند. بر این اساس، گفتمان، به مجموعه مؤلفه‌های حیات انسانی معنا می‌دهد، جایگاه تک‌تک آنها را در حیات انسانی تعریف می‌کند و نحوه درست زندگی را با تعریف «درستی» در هر یک از مؤلفه‌های هویتی حیات انسانی نشان می‌دهد. گفتمان، فقط هویت معرفتی ندارد؛ بلکه علاوه بر آن، معنابخش نیز هست.

وقتی گفته می‌شود که بیانیه باید به گفتمان تبدیل شود، مراد این معنا است. اگرچه این معنا از گفتمان، صرفاً اجتماعی نیست؛ اما یک سوی زمینه زندگی انسانی، جامعه انسانی است و انسان، با یک گفتمان در جامعه حاضر می‌شود. گفتمان اجتماعی انسان، دو سو دارد: از سویی به

حضور او در جامعه معنا و جهت می‌دهد و نیز درست و نادرست اجتماعی را برای او تعریف می‌کند. از سوی دیگر، کسب موقعیت در یک گروه یا جامعه و مشارکت مؤثر و فعال در آن را ممکن می‌سازد. اگرچه ممکن است میان گفتمان‌ها تعامل‌هایی وجود داشته باشد؛ اما در هر گفتمان، گفتمان‌های مقابل طرد می‌شوند. در سیاست‌های اجرایی گفتمان‌سازی بیانیه، همه این نکات باید در نظر باشد.

بر اساس آنچه گفته شد، از این بیانیه دو موضوع اساسی باید گفتمان‌سازی شود.

اولین موضوع، تفسیر انقلاب اسلامی و جهان پیرامون آن است. تفسیر انقلاب اسلامی، در چهار مسئله مورد توجه است: ۱. ماهیت انقلاب اسلامی، شعارها و آرمان‌های آن؛ ۲. ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران؛ ۳. مبانی فلسفی و اعتقادی انقلاب اسلامی؛ ۴. ادبیات انقلاب اسلامی.

گفتمان‌سازی تفسیر انقلاب اسلامی و جهان پیرامون آن، بر اساس مفاهیم و آموزه‌های بیانیه، امری ممکن است و در سطح مدیران، نخبگان و عموم مردم می‌توان آن را پی گرفت.

در سطح مدیران، داشتن و نداشتن این زاویه نگاه، باید معیار و شاخصه صلاحیت برای تصدی مدیریت‌ها باشد. ماهیت انقلاب اسلامی، از سوی مسئولانی که زاویه نگاه دیگری به انقلاب اسلامی دارند، در تهدید است؛ به حدی که شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به «آزادی، استقلال و پیشرفت» تغییر یافت و قیام بزرگ کربلای حسینی

که الگوی انقلاب اسلامی بود، به مذاکره تحریف شد یا در ادبیات انقلاب اسلامی، تبدیل «مستضعفان» به «قشر آسیب‌پذیر» موجب تفاوتی اساسی در سیاست‌گذاری شد.

موضوع دوم برای گفتمان‌سازی در بیانیه، سیاست‌های کلان مطرح شده در آن است. این سیاست‌ها در سه موضوع نگرش‌ها و باورها، هویت و ساختارها است:

سیاست تغییر نگرش‌ها و باورها

نگرش‌ها و باورها، باید در امور زیر در جامعه تقویت و نهادینه شود:

۱. باور به امکان ایجاد تمدن نوین اسلامی؛
۲. باور به رویش و رشد برابری انقلاب اسلامی طی چهل سال گذشته در موازنه با ریزش و افول؛
۳. باور به مؤید بودن انقلاب اسلامی به تأییدات و نصرت‌های الهی و پشتیبانی خاص الهی در تحقق و ادامه آن به دلیل صبغه الهی و فطری داشتن؛
۴. باور به جوانان، به عنوان پیشران و موتور حرکت اصلی انقلاب در تمامی دوران‌ها؛
۵. باور به افول امپراطوری غرب، به دلیل تعارض ذاتی با فطرت انسانی؛
۶. باور به تفاوت ماهوی هویت اسلامی انقلاب با مکاتب دیگر، نسبت به حال، آینده و گذشته؛
۷. نگاه جهانی و اقدام منطقه‌ای.

سیاست تعریف هویت اسلامی انقلابی

سیاست های تعریف هویت نیز بخش مهم دیگری از سیاست های کلان گام دوم خواهد بود؛ از جمله:

۱. معرفی ملت ایران با هویت اسلامی انقلابی؛
۲. معرفی انقلاب اسلامی به عنوان مردمی ترین انقلاب و تأکید بر رابطه دوسویه انقلاب اسلامی و مردم در همه ابعاد؛
۳. معرفی جمهوری اسلامی به عنوان مهم ترین چالش و مسئله دنیای غرب و نظام سرمایه داری؛
۴. معرفی دنیای غرب و استکبار به عنوان دشمن و مهم ترین چالش دنیای امروز جهان و انقلاب اسلامی؛
۵. توجه به موقعیت ممتاز منابع انسانی، مالی، و ویژگی های جغرافیایی، مکتبی، تاریخی، تمدنی و ... ایران در جهان؛
۶. لحاظ معیار استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... به عنوان ارزش گذاری برنامه های مختلف ملی و فراملی.

سیاست های تعریف ساختارهای آینده

بر پایه بیانیه گام دوم، سیاست هایی نیز برای تعریف ساختارهای آینده در سطح ملی و فراملی باید تعریف شود. در چارچوب این بیانیه، مبدأ این سیاست ها اسلام انقلابی بوده و محور آنها دو نکته است: ساختاری کردن امید و ساختاری کردن عزت. ساختاری کردن امید و عزت، به معنای تأمین قانونی امکانات برای حفظ و توسعه امید و عزت و تعریف

ساختارهای رسمی و غیر رسمی اجتماعی است. همگان باید امکانات اجتماعی را برای ساختاری کردن امید و عزت افراد بسیج نمایند و هر کس، خود نیز، ابزارهای لازم برای تقویت ملکه نفسانی امید و عزت خویش را فراهم کند. در حقیقت، حُسن ساختار جامعه به معنای تعریف پایگاه‌ها، دسته‌موقعیت‌ها و دسته‌نقش‌ها و شبکه ارتباطی میان دسته‌موقعیت‌ها و دسته‌نقش‌ها بر حسب عناصری در ساختار جامعه است که موجب تثبیت، تعمیق، توسعه و تظاهر امید و عزت باشد.

بر این اساس، سیاست‌هایی مانند سیاست‌های زیر، که در بیانیه به برخی اشاره شده، پیشنهاد می‌شود:

۱. ایجاد منطقه امنیت استراتژیک جدید و خاص در منطقه با محوریت و مدیریت ایران؛
۲. آمادگی و مبارزه همه‌جانبه انقلاب اسلامی با غرب در بالاترین سطح تقابل؛
۳. ایجاد سپرهای دفاعی لازم برابر قوت و برتری نسبی غرب در جنگ با انقلاب اسلامی (مثلاً جبهه جنگ نرم و فرهنگی)؛
۴. توسعه و کاربری حداکثری از قوت و برتری نسبی انقلاب اسلامی در مقابل غرب (مانند فرهنگ عاشورا، روحیه انقلابی و مقاومت)؛
۵. تزریق و تعمیق روحیه خودباوری «ما می‌توانیم» در همه عرصه‌ها و لزوم ایستادن روی پای خود و عدم تکیه و اعتماد به بیگانه؛
۶. توسعه مرزهای امنیتی و مبارزه در خارج از مقیاس مرزهای جغرافیایی؛

۷. اصلاحات اساسی ساختاری برای رفع آسیب‌ها، مانند فساد و ضعف بدنه مدیریتی نسبت به تحقق بایسته‌ها و آرمان‌های انقلاب؛
۸. پیشرفت و ارتقای وضعیت علمی ایران و دنیای اسلام برابر دنیای استکبار و رفع عقب‌ماندگی تاریخی از علم و فناوری به عنوان عامل سلطه دشمن و فشار بر ملت ایران؛
۹. پیشاهنگی و برتری اخلاقی و معنوی؛
۱۰. تولید ثروت و پیشرفت اقتصادی.

تدوین وظایف حوزه‌های علمی برای تحقق گفتمان بیانیه گام دوم، بر پایه مباحث پیش گفته است. حوزه‌های علمی، مرکز تدوین آموزه‌های انقلاب اسلامی و گفتمان‌سازی برای آنها بوده‌اند. بر این اساس، این مرکز، از موقعیت ممتازی برای گفتمان‌سازی برخوردار است؛ زیرا توانسته است اعتماد عمومی را از جهت علمی و عملی جلب کند.

الزام‌های راهبردی بیانیه گام دوم برای حوزه‌های علمی در چارچوب گفتمان‌سازی تعریف می‌شود و چنان که بیان آمد، این گفتمان‌سازی در دو موضوع زاویه نگاه به انقلاب اسلامی و جهان پیرامون آن و سیاست‌های کلان است. سیاست‌های کلان برای حوزه‌های علمی نیز در سه موضوع نگرش‌ها و باورها، هویت و ساختارها است.

ب. الزامات راهبردی برای ستاد

با توجه به ساختار و مأموریت نهاد حوزه‌های علمی، به طور اجمالی می‌توان الزامات راهبردی بیانیه گام دوم برای سطح ستادی حوزه‌های

علمیه را در امور زیر خلاصه کرد:

بازخوانی اسناد بالادستی و برنامه‌ها

یکی از الزامات راهبردی نهاد مدیریت حوزه‌های علمیه، بازخوانی و اصلاحات لازم در اسناد بالادستی و برنامه‌های حوزه‌های علمیه است که می‌توان آن را با هدف اصلاح نظام اداری، آموزشی، پژوهشی، تربیتی و تبلیغی متناسب با گام دوم انقلاب اسلامی و تبیین رسالت‌های صنفی در سطوح مختلف مدیران، مراجع تصمیم‌ساز، استادان و طلاب خلاصه کرد.

سیاست‌گذاری برای تطبیق باورها

یکی دیگر از الزامات راهبردی بیانیه برای مدیریت حوزه‌های علمیه، لزوم نهادینه‌سازی باورهای زیر در حوزه‌های علمیه است که برآمده از بیانیه و منتج از آن است:

۱. باور به مأموریت ویژه حوزه‌های علمیه برای ایجاد تمدن نوین اسلامی؛

۲. باور به رویش حوزه پس از انقلاب اسلامی؛

۳. باور به مؤید بودن انقلاب اسلامی به تأییدات و نصرت‌های الهی و پشتیبانی خاص الهی در تحقق و ادامه آن به دلیل صبغه الهی و فطری داشتن؛

۴. باور به طلاب جوان به عنوان پیشران و موتور حرکت اصلی حوزه‌های علمیه؛

۵. باور به افول هر گونه مکتب معارض با فطرت انسانی؛
۶. باور به تفاوت ماهوی هویت اسلامی انقلابی با مکاتب دیگر نسبت به حال، آینده و گذشته؛
۷. نگاه جهانی و اقدام منطقه‌ای.

سیاست‌های هویتی

در باب سیاست‌های هویتی، بر اساس بیانیه گام دوم، توجه به سیاست‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. معرفی حوزه علمیه با هویت اسلامی انقلابی؛
۲. تعریف نهادی رابطه دوسویه انقلاب اسلامی و حوزه‌های علمیه در همه ابعاد؛
۳. توجه به محوریت جمهوری اسلامی در چالش اسلام و استکبار و لحاظ این محوریت در هویت حوزه‌های علمیه؛
۴. لحاظ معیار استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... حوزه‌های علمیه به عنوان ارزش‌گذاری برنامه‌های مختلف ملی و فراملی.

سیاست‌های ساختاری

بر پایه بیانیه گام دوم، سیاست‌هایی نیز برای تعریف ساختار آینده حوزه‌های علمیه با توجه به الزامات، در سطح ملی و فراملی، باید تعریف شود. چنان که پیشتر آمد، در چارچوب این بیانیه، مبدأ این سیاست‌ها اسلام انقلابی بوده و محور آنها دو نکته است: ساختاری کردن امید و ساختاری کردن عزت. بر این اساس، سیاست‌هایی مانند سیاست‌های زیر

برای هر گونه برنامه تحول حوزه‌های علمیه پیشنهاد می‌شود:

۱. جهت دادن نظام آموزشی، پژوهشی، تربیتی و تبلیغی حوزه‌های علمیه به خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی برخاسته از آموزه‌های اسلام و انقلاب اسلامی؛

۲. اهتمام به رسالت‌های جهانی و منطقه‌ای حوزه‌های علمیه، انقلاب اسلامی و نظام اسلامی (سیاست نگاه جهانی و اقدام منطقه‌ای)؛

۳. هم‌افزایی و هم‌گرایی با سایر نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط در سطح ملی و بین‌المللی برای تولید نرم‌افزارهای لازم در زمینه تمدن‌نویین اسلامی؛

۴. رصد و سنجش میزان تأثیر برون‌داده‌های دانش‌های حوزوی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی در سطوح وضع فعلی، آینده نزدیک و آینده دور؛

۵. اهتمام به مواجهه تقابلی و جهادی با نظام فکری و گفتمانی جهان استکباری؛

۶. کاربست موقعیت ممتاز منابع انسانی، مالی، ویژگی‌های جغرافیایی، مکتبی و... ایران در جهان و استفاده از همه ظرفیت‌های آن؛ این سیاست‌های کلان، در چهار مأموریت اصلی حوزه‌های علمیه شامل آموزش، پژوهش، تربیت و تبلیغ باید خرد شوند و سیاست‌های عملیاتی به دست آیند.

نمونه‌هایی از سیاست‌هایی که حوزه‌های علمیه برای برداشتن گام دوم انقلاب اسلامی لازم دارد، در اینجا بیان می‌شود. البته اینها تنها یک

نمونه است و تبیین جامعی از این سیاست ها نیازمند کارشناسی فعال یک گروه علمی است.

۱. تحول جدی در نظام آموزشی، اعم از مسائل ساختاری، بازطراحی رشته ها و تأسیس رشته های مورد نیاز، کتاب های درسی و روش های تدریس؛

۲. گفتمان سازی نظریه پردازی، نوآوری، نقد، آزاداندیشی با محوریت رسالت های جهانی حوزه های علمیه، انقلاب اسلامی و نظام اسلامی در میان نخبگان حوزه های علمیه؛

۳. بازترسیم نقشه راه علمی بلندمدت حوزه های علمیه با تأکید بر رسیدن به جایگاه مرجعیت علمی جهانی در علوم اسلامی و انسانی؛

۴. گفتمان سازی و فرهنگ سازی در عرصه جهاد علمی در بدنه عمومی حوزه های علمیه؛

۵. گفتمان سازی و فرهنگ مطالبه گری نسبت به اخلاق و معنویت در بدنه عمومی حوزه های علمیه؛

۶. بازتعریف نظام علم سنجی ها و رتبه بندی ها و ظرفیت سنجی علوم دینی و مراکز آموزشی و پژوهشی حوزوی در جهت خودسازی، تمدن سازی و جامعه پردازی اسلامی؛

۷. حمایت و هدایت تولیدات علمی مرتبط با خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی؛

۸. شناسایی، جذب، به کارگیری، حمایت و تربیت مدیران جوان در عرصه پژوهش و مدیریت علم و اساتید و فعالان و اندیشمندان جوان؛

ج. رسالت طلاب در تحقق بیانیه گام دوم

اساساً طلبه عالم، محقق، مهذب و انقلابی به نوعی متأثر از اساتیدی است که خود بهره‌ای از دانش، مهارت، خُلق، بینش، بصیرت و روحیه جهادی داشته باشد. از این رو، برای پروراندن طلبه تراز پیشگامی، اساتید و آراستگی آنها شایسته و بایسته است. شاید در برخی امور زیر، روی سخن ما با طلاب باشد؛ اما بر اساس رابطه تضایفی، می‌توان آن را معطوف به اساتید هم دانست.

۱. اولویت تحصیل و توجه به اقتضائات زمانی

از آنجایی که حوزه‌های علمیه و روحانیت اولاً و بالذات رسالت تعلیم و روشنگری دینی دارند، اصلی‌ترین وظیفه آنان شناخت صحیح دین است. این مهم، حاصل نمی‌شود مگر با تحصیل شایسته و طی کردن مراحل مختلف علمی. به همین دلیل، مقام معظم رهبری اولین وظیفه طلاب را توجه به تعمیق تحصیلات دینی ذکر می‌کنند:

اولین چیزی که در حوزه‌های علمیه لازم است، عمق

بخشیدن به تحصیل دینی است. (۱۳۸۴/۲/۱۱)

البته به باور ایشان، این مهم، با تحصیل دانش‌های مختلف و

اندیشه‌های نو در حوزه‌های علمیه حاصل می‌شود:

امروز حوزه نباید در صحنه‌های متعدد فلسفی و فقهی و

کلامی در دنیا غائب باشد. این همه سؤال در دنیا و در

مسائل گوناگون مطرح است؛ پاسخ حوزه چیست؟ نباید

غائب باشد، نباید منفعل باشد؛ هر دو ضرر دارد. فکر نو لازم است. (۱۳۸۹ / ۷ / ۲۹).

۲. تبیین مفاهیم اسلامی در جهت حل مشکلات واقعی

مهم ترین انتظار از طلبه علوم دینی، تبیین و تفسیر دین؛ یعنی، قرآن و مکتب اهل بیت (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) است. از این رو، رهبر معظم انقلاب مطالبه خود را از حوزه و روحانیت آگاه و دلسوز، به عنوان سربازان نظام، این گونه مطرح می کنند:

روحانیت سرباز دین است، خادم دین است، از خود منهای دین حیثیتی ندارد ... حوزه های علمیه و علمای دین پشتوانه هایی هستند که موظفند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آنها را در اختیار بگذارند، برای برنامه ریزی، برای زمینه سازی های گوناگون. (۱۳۸۹ / ۷ / ۲۹).

ایشان در باره جهت دادن پژوهش به سمت مشکلات واقعی و عینی می فرمایند:

در زمینه های گوناگون، امروز نیاز وجود دارد؛ هم برای نظام اسلامی، هم در سطح کشور، هم در سطح جهان. تبیین معرفت شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم فقهی و حقوقی ای که پایه های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل می دهد، نظام تعلیم و تربیت، مفاهیم

اخلاقی و معنوی، غیره، غیره، همه اینها باید دقیق، علمی، قانع کننده و ناظر به اندیشه‌های رایج جهان آماده و فراهم شود؛ این کار حوزه‌ها است. با اجتهاد، این کار عملی است. اگر ما این کار را نکنیم، به دست خودمان کمک کرده‌ایم به حذف دین از صحنه زندگی بشر؛ به دست خودمان کمک کرده‌ایم به انزوای روحانیت. (۱۳۸۹/۷/۲۹).

۳. توجه به تولید علم و آزاداندیشی علمی

تولید دانش و پویایی نظامات اجتماعی بدون اندیشه آزاد ممکن نیست. گرچه آزاداندیشی ممکن است گرفتار آفت‌هایی شود؛ اما بدون آزاداندیشی نظام اجتماعی گرفتار ایستایی و رکود خواهد شد و به سرعت به سمت زوال حرکت خواهد کرد. به همین جهت، مقام معظم رهبری همواره از طرح راه‌اندازی و تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی حمایت کرده است و در پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در فرازی چنین بیان می‌کند:

این جانب با چنین طرح‌هایی همواره موافق بوده‌ام و از آن حمایت خواهم کرد و از شورای محترم مدیریت حوزه علمیه قم می‌خواهم تا با اطلاع و مساعدت «مراجع بزرگوار و محترم» و با همکاری و مشارکت «اساتید و محققان برجسته حوزه»، برای بالندگی بیشتر فقه و اصول و

فلسفه و کلام و تفسیر و سایر موضوعات تحقیق و تألیف دینی و نیز فعال کردن «نهضت پاسخ به سؤالات نظری و عملی جامعه»، تدارک چنین فرصتی را ببینند. (۱۳۸۱/۱۱/۶)

وقتی مطالبه ایشان از حوزه در رابطه با تشکیل آزاداندیشی به تأخیر می افتد، به حوزویان خطاب می کنند:

چرا این کرسی های آزاداندیشی در قم تشکیل نمی شود؟ چه اشکالی دارد؟ حوزه های علمیه ما، همیشه مرکز و مهد آزاداندیشی علمی بوده و هنوز که هنوز است، ما افتخار می کنیم و نظیرش را نداریم در حوزه های درسی غیر حوزه علمیه ... این خیلی چیز مهمی است. خوب، این مال حوزه ما است. (۱۳۸۶ / ۹ / ۸)

برای حل آفت های ناشی از آزاداندیشی نمی توان صورت مسئله را پاک کرد؛ بلکه باید با سیاست گذاری مانع ساختارشکنی و شالوده شکنی و برهم زدن پایه های هویت اسلامی و ملی شد.

۴. تبلیغ اسلام: خودسازی در راستای دیگرسازی

کارویژه اصلی عالم دینی، هدایت افراد و جامعه به سمت حقیقت و صراط مستقیم است؛ اما او زمانی می تواند به مسئولیت و رسالت خود عمل کند که اسوه بودن را برای خودش حفظ کند و در پیشبرد جنبه های معنوی و اخلاقی آنان بکوشد. مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند:

یک چیز دیگری که در باب روحانیت شرط و لازم است که ما دقیقاً و جداً به آن توجه کنیم، مسئله حفظ قداست روحانی است. روحانیت دارای قداست است. مردم به من و شما که نگاه می‌کنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلمان، حساب خاصی برای ما باز می‌کنند و یک تقدسی قائلند. بعضی از گناهانی که خودشان می‌کنند، خیال می‌کنند ماها نمی‌کنیم؛ بعضی از کارهای خیری که خودشان انجام نمی‌دهند، خیال می‌کنند ما انجام می‌دهیم؛ خیال می‌کنند ماها دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگار هستیم؛ یک چنین تصویری در باره ما دارند. البته این تصورات را نباید تقویت کرد ... این قداست را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زینت طلبگی است ... شأن طلبگی این است که انسان یک زینت متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد. (۱۳۸۵/۸/۱۷)

مبلغ دین و مبین معارف دینی، باید به زبان اکتفا نکند؛ بلکه عمل او هم باید ایمان و اخلاص و صفایش را در بیان این حقیقت برای مخاطب ثابت کند و نشان دهد. اینکه مشاهده می‌کنید در هر کاری که علمای دین پیشگام باشند. (۱۳۷۴/۱۰/۲۷)

رهبر انقلاب اسلامی، تبلیغ را مهم ترین وظیفه عالمان دینی دانسته و می فرماید:

امروز علمایی که مشغول تحصیل علم دین و حقایق دینی هستند... توجه کنند که اولین وظیفه عالم دینی تبلیغ است و علم دین برای تبلیغ است... من مصرّم که جامعه تبلیغی ما باید به تبلیغ به صورت یک کار اصلی و حقیقی و لازمه قطعی علم دین نگاه کند. جامعه علمی دینی اولین وظیفه اش تبلیغ است. (همان)

اما تبلیغ کاری ساده نیست که بدون آموزش های لازم ممکن باشد. ایشان در این راستا تأکید می کند:

تبلیغ یک فن است و به تعلیم و فراگیری احتیاج دارد. همچنین نیاز دارد که نوبه نو و روزبه روز، ضرورت ها و لوازم آن به مبلغان ارائه شود. اینها چیزهایی است که لازم است. جامعه تبلیغی باید بتواند کار خود را درست انجام دهد. باید فن تبلیغ را آموخت. (همان)

۵. زمان شناسی و آگاهی سیاسی

ولی فقیه مسلمین جهان، آگاهی سیاسی را در عرض فقاقت و تهذیب برای روحانیت لازم می بیند. (۲۲ / ۳ / ۱۳۶۸) به همین جهت، ایشان از حوزه و روحانیت انتظار حضور مثبت و فعال در صحنه های سیاسی دارد: یکی از چیزهایی که برای ما خیلی مهم است، مسئله «ارتباط با سیاست» است باید سیاسی باشید؛ منتها نه به معنای ورود

در باندها و جناح‌های سیاسی؛ نه به معنای ملعبه و آلت دست شدن این یا آن حزب یا گروه سیاسی، یا سیاست‌بازان حرفه‌ای؛ این مطلقاً مورد نظر نیست؛ بلکه به معنای آگاهی سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی، داشتن قطب‌نمای سالم سیاسی که جهت را درست نشان بدهد. ... باید با مسائل سیاسی آشنا شوید، حوادث سیاسی کشور را بدانید و حوادث سیاسی دنیا را بدانید... ما مرجع مردم هم هستیم؛ یعنی مورد مراجعه مردمیم و اگر خدای نکرده یک علامت غلط نشان بدهیم، یا یک چیزی که مطلوب دشمن است بر زبان ما جاری بشود، ببینید چقدر خسارت وارد می‌کند. (۱۳۸۵/۸/۱۷)

بیانیه گام دوم، مستلزم این است که حوزه‌های علمیه خود را نهادی ذیل نظام اسلامی بدانند که هویت امروزین آنها با انقلاب اسلامی تعریف می‌شود. این نهاد، باید نسبت به آرمان‌های انقلاب اسلامی، دغدغه داشته و دانش‌های حوزوی را در راستای اداره مطلوب بخش‌های مختلف نظام اسلامی تدوین کند و پاسخگویی به پرسش‌های نظام را مسئله مهم خود بدانند. با این سیاست، خود را روزآمد کرده و دانش‌های حوزوی را به سطح کارآمدی و نظام‌مندی برسانند:

اگر بخواهیم نظام اسلامی همچنان اسلامی و انقلابی بماند باید حوزه علمیه انقلابی بماند؛ زیرا اگر حوزه علمیه انقلابی نماند، نظام در خطر انحراف از انقلاب قرار خواهد گرفت. (۱۳۹۴/۱۲/۲۵)

حوزه های علمیه باید خود را سربازان نظام بدانند، برای نظام کار کنند، برای نظام دل بسوزانند، در خدمت تقویت نظام حرکت کنند؛ و این درست عکس آن چیزی است که سیاست سرویس های امنیتی انگلیس، آمریکا، اسرائیل و دیگران دنبال می کنند. آنها تلاش می کنند بلکه بتوانند یک منفذی پیدا کنند ... برای اینکه فاصله بین نظام و روحانیت را برجسته کنند؛ القا کنند که چنین فاصله ای وجود دارد. بنابراین، حوزه های علمیه نمی توانند سکولار باشند. اینکه ما به مسائل نظام کار نداریم، به مسائل حکومت کار نداریم، این سکولاریسم است. (۱۹ / ۷ / ۱۳۹۱)

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) می فرماید:

الْعَالَمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ

کسی که عالم به زمان خود باشد، گرفتار نیرنگ ها و شبهات نمی شود.

امام خامنه ای با الهام از این گونه آموزه های وحیانی می گوید:

امروز شما اگر عالم هم باشید، بسیار باتقوا هم باشید، اما زمامتان را نشناسید، آن وقت آسیب پذیر و لغزش پذیر و کم فایده خواهید بود؛ آن طوری که دیگر حکایتش فصل مفصلی است؛ ما کسانی را دیدیم که عالم هم بودند، بی دین هم نبودند، اما در دورانی که می توانستند برای اسلام و مسلمین مفید واقع

بشوند، مفید واقع نشدند؛ بعضا حتی خدشه‌ها و ضررهایی هم وارد کردند! پس شد علم و تقوا و آگاهی سیاسی و اجتماعی که این آگاهی، سلاحی است که در اختیار شما قرار دارد. (۱۳۷۰ / ۱۱ / ۳۰)

ایشان آشنایی با زمان را با چنین شاخصه‌هایی معرفی می‌کند:
با افکار جدید آشنا شوند، راه‌ها و شیوه‌های دشمن را بشناسند و به زمان خودشان عالم شوند؛ «العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس». (۱۳۸۸ / ۰۲ / ۲۳)

۶. توجه به تجربه تاریخی

رهبر معظم انقلاب اسلامی، در بیانیه گام دوم خاطرنشان می‌سازد که توجه به تاریخ برای گوش سپردن به تجربه دیگران است. ایشان می‌نویسد:
عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه خود یا گوش سپردن به تجربه دیگران نمی‌توان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این

راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی در باره گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنمان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید. (بیانیه گام دوم، ۲۲/۱۱/۱۳۹۷)

این انداز رهبری، ضرورت توجه به تجربیات گذشته و مطالعه جهت‌مند تاریخ را از الزامات تحصیلی طلبه تراز انقلاب قرار می‌دهد.

۷. توجه به فقه حکومتی

فقه حکومتی، منظری در فقه است که در فهم ادله، تدوین مسائل و تبویب فقه، لحاظ محوریت ولایت و فرض خطاب شریعت به انسان اجتماعی سیاسی را اساسی می‌داند. دقت شود که فرض اساسی فقه حکومتی، وجود حکومت اسلامی نیست؛ بلکه ضرورت تداوم ولایت است. این نگاه به فقه، با اشارات امام خمینی (ره) آغاز شده است. ایشان در پیام مشهور به «منشور روحانیت» چنین نوشت:

یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر

مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت، نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد.

فقه حکومتی، همچون جریان عمومی فقه گرا، فقه را بازنگاری شریعت می‌داند؛ اما بر اساس مبانی کلامی، شریعت را حاوی نظامی عام می‌داند که بر کل حیات بشری سایه افکنده است. این نکته، در تصویر برخی فقیهان از فقه آمده است. برای نمونه، آیت الله خامنه‌ای می‌گویند:

فقه اسلامی، فقط طهارت و نجاسات و عبادات که نیست؛ فقه اسلامی مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه جوانب زندگی انسان است؛ فردیاً، اجتماعياً، سیاسیاً، عبادیاً، نظامیاً و اقتصادياً؛ فقه الله الأكبر این است؛ آن چیزی که زندگی انسان را اداره می‌کند؛ یعنی ذهن و مغز و دل و جان و آداب زندگی و ارتباطات اجتماعی و ارتباطات سیاسی و وضع معیشتی

و ارتباطات خارجی فقه است. (۱۳۷۰ / ۱۱ / ۳۰)

اینکه در بیانیه گام دوم اشاره می کنند که انقلاب اسلامی از نقطه صفر آغاز شد و ما هیچ تجربه پیشینی در این خصوص نداشتیم؛ در سخنان پیشین ایشان چنین تبیین شده است:

فقه شیعه به خاطر طول سال‌هایی که فقهای شیعه و خود گروه شیعه در دنیای اسلام، دسترسی به قدرت و حکومت نداشتند، و فقه شیعه، یک فقه غیر حکومتی، و فقه فردی بود، در میان کتب فقهی شیعه، بسیاری از مباحثی که مربوط به اداره کشور است، جای اینها خالی است... فقهای شیعه در این مورد، تقصیر یا قصوری نکرده‌اند. برای آنها، این مسائل مطرح نبوده است. فقه شیعه، جامعه سیاسی را نمی‌خواسته اداره کند. حکومتی در اختیار او نبوده است، که جهات آن حکومت را بخواهد اداره و احکام آنها را از کتاب و سنت استنباط کند. لذا فقه شیعه و کتب فقهی شیعه، بیشتر فقه فردی بود. (۱۳۷۶ / ۳ / ۱۴)

در ادامه، رهبر فرزانه راهکار خروج از این وضعیت را تغییر رویکرد از فقه فردی به فقه حکومتی می‌دانند:

ما به بازنگری در تمام در تمام ابواب و کتب فقهیه احتیاج داریم. فقه غنی و سرشار و ارزشمند ما یک عیب دارد، آن عیب عبارت است از اینکه این فقه برای این صورت نوشته شده که یک حکومت ظلمی بر سر کار باشد که بر خلاف ما

انزل الله حکم می‌کند و این فکر دستور العمل آن عده شیعه مستضعف مظلوم است. در تنقیح و تحقیق فقه کنونی ما روزگاری که این فقه بخواهد نظام جامعه را اداره بکند پیش بینی نشده... شما باید یکبار دیگر از طهارت تا دیات نگاه کنید و فقهی استنباط کنید برای حکومت کردن. (۱۳۶۴/۶/۱۱)

اگر دیروز همت ما فقط کتاب صلاه و طهارت و زکات و صوم حج و حداکثر مستأجر و اجاره بود، امروز مسئله ما و احتیاج ما همه شئون زندگی یک جامعه است. یک فقهی ما لازم داریم که بتوانیم حکومت را، سیاست خارجی را، روابط بین الملل را برخورد با شبکه عظیم اقتصادی جهانی را تجارت در دنیا را فقه الشرعیه او را مشخص بکنیم (۱۳۶۵/۴/۲۹)

فصل چهارم:

اقدامات مدیریت حوزه در راستای بیانیه

چنانکه پیش از این بیان شد، بیانیه گام دوم با صرف نظر از نوآوری‌های آن، ریشه در سخنان و افکار معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، و منظومه فکری مقام معظم رهبری دارد. در حقیقت، ایشان در این بیانیه، چارچوب کلی منظومه فکری خود را، با تأکید بر انقلاب اسلامی، بیان می‌کند. بر این اساس، اکثر قریب به اتفاق مضامین این بیانیه را می‌توان در آرا و بیانات گذشته امامین انقلاب یافت.

حوزه‌های مقدسه علمیه نیز از ابتدای انقلاب، منویات و مطالبات امامین انقلاب و مراجع معظم تقلید (ادام الله ظلهم الشریف) را رصد می‌کردند و همواره می‌کوشیدند در حد مقدورات و ظرفیت‌ها در این راستا حرکت کنند. تحولی که در حوزه‌های علمیه تا کنون رُخ داده و تحول عظیمی است، مرهون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و اقدام در جهت رهنمودهای این بزرگان بوده است.

در دور جدید مدیریت حوزه‌های علمیه که از سال ۱۳۹۵ آغاز شد، مدیر محترم حوزه‌های علمیه، حضرت آیت الله اعرافی، خدمت تک‌تک مراجع معظم و مقام معظم رهبری (حفظهم الله) رسیده و رهنمودها و مطالبات این بزرگان از حوزه‌های علمیه را دریافت و

جمع‌بندی فرموده و با عنوان منشور حوزه‌های علمیه به یک سند بالادستی برای سیاست‌ها و برنامه‌های قرار دادند.

در دوره جدید مدیریت حوزه و در ادامه تلاش مجاهدانه مدیریت‌های پیشین، حرکت تحولی در جهت رهنمودهای این بزرگان، به ویژه مقام معظم رهبری، شدت گرفت و طرح‌های تحولی مهم و متعددی ذیل منشور حوزه‌های علمیه تدوین شد. برخی از این طرح‌ها به اجرا درآمده است و برخی در دست اجرا است. برخی نیز به دلیل کمبود امکانات و آماده نبودن زمینه‌ها و شرایط، متوقف مانده است. در این مختصر، مجال شرح کامل این طرح‌ها نیست؛ بلکه تنها به ارائه فهرستی از مهم‌ترین آنها اکتفا می‌شود.

البته این به معنای بی‌نیازی از بررسی مجدد سیاست‌ها و برنامه‌ها بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب نیست. این حرکت، از زمان صدور بیانیه آغاز شده و در دست اقدام است و نتایج آن در برنامه‌های تحولی تکمیلی ملاحظه و ارمغان طریق خواهد شد. ان شاء الله.

مهم‌ترین برنامه‌های مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

عنوان برنامه	برنامه	عرصه	ردیف
اجرای برنامه پنج ساله مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه	۱	مدیریت و برنامه‌ریزی	۱
طرح آمایش سرزمینی حوزه‌های علمیه	۲		
رسانه؛	۳		
فضای مجازی؛	۴		
نمایندگان ولی فقیه در استان‌ها و ائمه جمعه؛	۵		
مسجد؛	۶		
آموزش و پرورش؛	۷		
نمایندگان ولی فقیه در دستگاه‌های اجرایی؛	۸		
نهادهای نظامی انتظامی؛	۹		
آموزش عالی؛	۱۰		
قوه قضائیه؛	۱۱		
اوقاف و امور خیریه؛	۱۲		
بین الملل؛	۱۳		
نظام کارشناسی کشور؛	۱۴		
تبلیغ عمومی؛	۱۵		
تبلیغ تخصصی؛	۱۶		

ردیف	عرصه	برنامه	عنوان برنامه
۲	آموزش	۱	طرح ارزیابی و رتبه‌بندی مدارس علمیه سراسر کشور
		۲	طرح ارتقای مدارس علمیه در چارچوب شاخص‌های مدرسه الگو
		۳	طرح نقش‌آفرینی حوزه‌های علمیه در اجرای گام دوم انقلاب و سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
		۴	طرح بازنگری اصلاح و نظام آموزشی
		۵	تهیه نقشه جامع حوزه‌های دانشی و رشته‌های تخصصی حوزه‌های علمیه (درخواره رشته‌های حوزوی) بر اساس طرح آمایش
		۶	راه‌اندازی دروس خارج در سطح استان‌ها
		۷	طرح نظام جامع اساتید
		۸	طرح هدایت تحصیلی
		۹	توسعه دروس فقه معاصر
		۱۰	راه‌اندازی گروه‌های علمی در واحدهای آموزشی
		۱۱	توسعه آموزش‌های غیرحضور
		۱۲	تدوین دوره‌های مهارتی بر اساس کارویژه‌های روحانیت
		۱۳	طرح توسعه دوره‌های آموزشی تابستانی
		۱۵	توسعه آموزش زبان‌های خارجی به طلاب و روحانیون
		۱۶	طرح جذب و گزینش درحوزه‌های علمیه
		۱۷	توسعه مرکز تربیت مدرس و حمایت از آن
		۱۹	فعال‌سازی، حمایت از المپیاد علمی حوزویان
		۲۰	واسپاری فرایند صدور مدارک سطح ۱ و ۲ به مدیریت استانی
		۲۱	توسعه رشته‌های تخصصی در سطح کشور
		۲۲	ساماندهی و توسعه آموزش‌های مجازی
		۲۳	توسعه و حمایت از الکترونیکی شدن ارائه خدمات آموزشی و تحصیلی به طلاب و اساتید

فصل چهارم: اقدامات مدیریت در راستای بیانیه / ۱۰۱

ردیف	عرصه	برنامه	عنوان برنامه
۳	پژوهش	۱	حمایت و راهبری موسوعه‌های تخصصی
		۲	توسعه نظریه‌پردازی و نوآوری در علوم اسلامی و انسانی
		۳	ارتقای کمی و کیفی پایان‌نامه‌نویسی در حوزه‌های علمیه
		۴	توسعه و تعمیق فقه معاصر
		۵	توسعه و ارتقای انجمن‌های علمی
		۶	توسعه و ارتقای کرسی‌های نوآوری، نقد، مناظره و آزاداندیشی
		۷	طرح تأسیس پایگاه علم‌سنجی علوم اسلامی
		۸	طرح نهضت ترجمه آثار حوزوی و اسلامی
		۹	طرح جامع سامانه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی و علمی پژوهشی
		۱۰	طرح مجامع عالی حوزوی و قطب‌های علمی حوزوی
		۱۱	طرح تأسیس صندوق حمایت از پژوهشگران و واحدهای پژوهشی
		۱۲	طراحی درختواره علوم اسلامی و مهندسی رشته‌ها
		۱۳	تدوین نقشه جامع علوم اسلامی و حوزوی
		۱۴	تأسیس دبیرخانه علوم انسانی اسلامی
		۱۵	شناسایی، رتبه‌بندی و حمایت از پژوهشگران حوزوی
		۱۶	شناسایی، رتبه‌بندی و حمایت از مراکز پژوهشی حوزوی
		۱۷	بزرگداشت یکصدمین سال از تأسیس حوزه علمیه قم
		۱۸	احیای سنت‌های پژوهشی حوزه‌های علمیه
		۱۹	توسعه و ارتقای زیرساخت‌های پژوهشی مراکز استان‌ها و مدارس سراسر کشور
		۲۰	طراحی و اجرای برنامه جامع پژوهشی طلاب سطح ۱ تا ۴
		۲۱	طراحی و اجرای برنامه جامع پژوهشی اساتید سطح ۱ تا ۴
		۲۲	طراحی و اجرای مدیریت و حمایت از ایده‌ها
		۲۳	طراحی و تأسیس مرکز مطالعات راهبردی حوزه و روحانیت
		۲۴	اجرای طرح جامع نیازسنجی (دانشی و منطقه‌ای)
		۲۵	طراحی و اجرای شورای عالی تحقیقات و علوم اسلامی انسانی

ردیف	عرصه	برنامه	عنوان برنامه
۴	تبلیغ	۱	طراحی و استقرار طرح‌های تبلیغی مرتبط با مساجد و مراکز فرهنگی (طرح بینات)
		۲	طرح توسعه مدارس امین
		۳	ساماندهی و توسعه مهدکودک‌های امین
		۴	طرح توسعه آموزش‌های معارفی - حوزه‌ای به علاقه‌مندان (حبل‌المتین)
		۵	طرح فعال‌سازی گروه‌های تبلیغی در مناطق آسیب‌پذیر و حاشیه‌نشین
		۶	تشکیل جامعه مبلغان کشور
		۷	مجموعه طرح‌های توسعه تبلیغ در فضای نت و فضای مجازی
		۸	شناسایی، تقویت و حمایت از گروه‌های تبلیغی (بیش از ۵۰۰ گروه)
		۹	اجرای طرح جامع هنر و رسانه
		۱۰	طرح ساماندهی امور مستبصرین
		۱۱	طرح جامع نظام موضوعات دینی در کتب آموزش و پرورش
		۱۲	ساماندهی، پشتیبانی و ارزشیابی مبلغان، تشکل‌ها و مؤسسات تبلیغی و فرهنگی

فصل چهارم: اقدامات مدیریت در راستای بیانیه / ۱۰۳

عنوان برنامه	برنامه	عرصه	ردیف
برنامه جامع تربیتی حوزه‌های علمیه	۱	تهدیب	۵
طرح استمرار میثاق طلبگی در طول سال‌های تحصیل طلاب (طرح میثاق ۲ و ۳)	۲		
طرح سبک زندگی قرآنی (اقوم)	۳		
طرح سواد قرآنی ویژه طلاب سطح ۱	۴		
طرح راه‌اندازی مراکز مشاوره در استان‌ها و اعزام مشاور به مدارس	۵		
طرح استعدادسنجی طلاب	۶		
طرح ساماندهی جایگاه اساتید مشاور کشور	۷		
دوره‌های آشنایی با معارف ویژه خانواده حوزویان (طرح کوثر)	۸		
طرح نظام اندیشه اسلامی	۹		
طرح شهیدمطهری	۱۰		

عنوان برنامه	برنامه	عرصه	ردیف
طرح کارویژه‌های روحانیت	۱	امور طلاب و دانش آموختگان	۶
طرح هدفمندی شهریه طلاب، اساتید و مبلغان	۲		
ساماندهی دانش‌آموختگان حوزوی	۳		
راه‌اندازی کانون‌های دانش‌آموختگان در استان‌ها	۴		
ساماندهی امور شهرک مهدیه	۵		
طرح مرکز رشد حوزه‌های علمیه	۶		
طرح اطلس دانش‌آموختگان حوزوی	۷		
طرح تسهیل ازدواج طلاب	۸		

ردیف	عرصه	برنامه	عنوان برنامه
۷	فناوری اطلاعات	۱	تدوین طرح بازآفرینی حوزه در رسانه‌ها و فضاهای مجازی
		۲	طرح سامانه دروس خارج حوزه‌های علمیه (تقریر) و پایان‌نامه‌های حوزوی
		۳	سامانه پیشخوان برخط خدمات حوزوی (یکپارچه‌سازی ورود به سامانه‌ها، دریافت و اصلاح اطلاعات هویتی طلاب، تشکیل رزومه جامع برای هر طلبه)
		۴	راه‌اندازی سامانه آموزش مجازی جهت بهره‌برداری واحدهای مختلف حوزوی
		۵	توسعه بهره‌برداری از سامانه دیجیتال کنفرانس
		۶	استقرار سامانه دروس خارج حوزه‌های علمیه
		۷	استقرار ارتباط اتوماسیون بین مراکز حوزوی (e c e)
		۸	طراحی سامانه دانش‌آموختگان
		۹	طراحی سامانه مراکز تخصصی و مؤسسات فقهی
		۱۰	طراحی، تولید و راه‌اندازی بانک پویا و تحت وب واحدهای پژوهشی، نشست‌های علمی و آثار جشنواره علامه حلی
		۱۱	طرح نظام‌های جامع فناوری اطلاعات و فضای مجازی
		۱۲	طرح جامع ارتقای مهارت‌های نیروهای سازمانی و طلاب در عرصه فناوری
		۱۳	راه‌اندازی کمیسیون فناوری اطلاعات
		۱۴	راه‌اندازی شورای فضای مجازی
		۱۵	راه‌اندازی شبکه طوبی

فصل چهارم: اقدامات مدیریت در راستای بیانیه / ۱۰۵

ردیف	عرصه	برنامه	عنوان برنامه
۸	دفتر اجتماعی سیاسی	۱	طرح پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی
		۲	طرح توسعه خدمات اجتماعی روحانیت
		۳	طرح ترویج سبک زندگی اسلامی
		۴	طرح توسعه برگزاری نشست‌های تخصصی بصیرت‌افزایی
		۵	طرح ارتقای آگاهی عموم مردم ایران و اعتقاد و التزام آنها به آموزه‌های انقلاب اسلامی
		۶	طرح ایجاد مصونیت جریان‌ها و نهاد‌های کشور و انقلاب از آسیب‌های احتمالی
		۷	تکمیل و اجرای طرح آشنایی طلاب با تاریخ حوزه‌های علمیه نظیر تاریخ مبارزات علما
		۸	بزرگداشت علمای ایثارگر و شهدای روحانی تأثیرگذار در انقلاب اسلامی
		۹	طرح تدوین کتاب رهنمودهای امام و رهبری پیرامون بایسته‌ها و شاخصه‌های حوزه انقلابی
		۱۰	طرح حوزویان و مسئولیت‌های اجتماعی
		۱۱	طرح ساماندهی تشکل‌های اجتماعی و سیاسی حوزوی
		۱۲	طرح کارگروه تبیین مواضع اجتماعی سیاسی حوزه‌های علمیه
		۱۳	طرح شناسایی جریان‌ات سیاسی در حوزه
		۱۴	شناسایی جریان‌های فکری انحرافی حوزه‌ها و مواجهه با آنها
		۱۵	شناسایی و تقویت فعالان و تشکل‌های اجتماعی حوزوی داخل و خارج کشور
		۱۶	اجرای طرح نقش حوزه در کنترل آسیب‌های اجتماعی
		۱۷	زمینه‌سازی حضور کارآمد حوزه و حوزویان در فعالیت‌های اجتماعی با نگاه کارویژه‌ها
		۱۸	رصد چالش‌ها و تحولات اجتماعی و سیاسی حوزویان، جامعه و نظام و راه‌حل‌ها
		۱۹	رصد مسائل کلان کشور و مواضع مسئولان نظام جهت بررسی، حمایت‌های لازم و اتخاذ مواضع
		۲۰	الگوسازی از روحانیون مبارز و شهید و تقدیر از پیشکسوتان انقلابی
		۲۱	تدوین و نشر کتاب مددکاری اجتماعی حوزویان

ردیف	عرصه	برنامه	عنوان برنامه
۹	امور موقوفات و منابع پایدار	۱	طرح تقویت صندوق توسعه وقف
۱۰	دفتر ارتباطات و امور بین الملل	۱	ساماندهی تشکل‌های رسانه‌ای حوزه و تشکیل مجمع
		۲	ارتقای رتبه خبرگزاری حوزه در سطح ملی و بین المللی
		۳	ساماندهی و پشتیبانی علمی از حضور نمایندگان حوزه در شوراها و نهادهای کشوری
		۴	توسعه ارتباطات و تعامل و همکاری مؤثر در عرصه‌های ملی و بین المللی
		۵	تأسیس دفتر ارتباطات حوزه علمیه قم و نجف
		۶	تدوین طرح جمع‌آوری آثار حوزوی به کلیه زبان‌ها
		۷	تدوین موضوعات فقه معاصر متناسب با عرصه بین الملل
		۸	تدوین و تکمیل طرح سیر مطالعاتی بین الملل
		۹	طرح تأسیس کتابخانه بین الملل
		۱۰	طرح «نخنگان عرصه بین الملل»
		۱۱	طرح گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه بین الملل
		۱۲	تدوین طرح «تأسیس مرکز گفت‌وگوی دینی»
		۱۴	تهیه طرح تعامل حوزه با سایر ادیان، مذاهب
		۱۱	مرکز راهبردی اقتصاد مقاومتی
۲	تشکیل جبهه مردمی اقتصاد مقاومتی		
۳	نهادینه کردن اقتصاد مقاومتی با اولویت حمایت از کالای ایرانی در سازمان روحانیت		
۴	همکاری سه جانبه حوزه‌های علمیه، شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه و سازمان بسیج مستضعفین کشور جهت پشتیبانی از جبهه مردمی اقتصاد مقاومتی براساس نقشه راه تشکل‌های ملی مردم‌بنیاد		
۵	پژوهش و گفتمان‌سازی ابعاد مختلف نظریه اقتصاد مقاومتی		

خاتمه و نتیجه

قبل از هر چیز، باید دانست که برای برداشتن گام دوم، باید دستاوردهای گام اول را تکمیل و از تکرار اشتباهات جلوگیری کرد. بر این اساس، بر سیاست‌گذاران، مدیران، طلاب و روحانیان متعهد و انقلابی، لازم است که در جهت تحقق منویات مقام عظمای ولایت در گام دوم، و برای نیل به آرمان‌های انقلاب اسلامی و دستیابی به مدینه فاضله مهدوی، امور زیر را از نظر دور ندارند:

۱. امیدواری به آینده و تحقیر دشمنان برای ناامید کردن مردم در این بیانیه پررنگ دیده شده است. بنابراین، امید دادن به مردم و نوید فتوحات آینده با وجود ناچیز شمردن دستاوردها و برکات انقلاب از سوی دشمن، بسیار ضروری است. سیاست‌گذاران، باید بر این مهم تمرکز کرده و متونی از دستاوردها و افق‌های روشن فردا (توشه فردا) تهیه و در اختیار مبلغان حوزوی قرار دهند.

۲. به دلیل حضور مستمر دشمن در تمام برنامه‌ها؛ هرگونه برنامه‌ریزی باید با توجه به دشمن‌شناسی و برنامه و راهبرد دشمن طراحی شود. از این رو، اعتماد به دشمن در هر حالی

نادرست است؛ همچنان که رهبر معظم انقلاب در این بیانیه فرمودند: «آمریکا و اروپا پیشنهاد نمی کردند؛ بلکه دائماً به دنبال خدعه و فریبکاری اند و تا کنون هم مشکلی را حل نکرده اند.»
مرزبندی با دشمن و سبک زندگی ایشان نشان می دهد، ایشان نگاهی فراتر از صرف اداره کشور دارند. ایشان، این آرمان های متعالی را به عنوان افق پیش رو و عامل تحرك و رشد فرا روی جامعه و حاکمیت قرار می دهند.

۳. امر مهدویت و انتظار پسندیده، از اعظم رسالت های حوزوی است. بنابراین، باید در حیطه های مختلف ظهور و بروز بیشتری داشته باشد؛ از جمله: تشکیل گرایش های علمی مهدویت در برخی استان ها، بخش ویژه جشنواره ها، کرسی های آزاداندیشی.
۴. انقلاب اسلامی، از سطح امری سیاسی بالاتر بوده و بنا است پس از ایجاد دولت اسلامی و جامعه اسلامی، تمدن بشری و جهانی را مد نظر قرار دهد و به آرمانش نزدیک شود.
۵. هرچند دشمن می خواهد نهضت را انقلاب زدایی و کشور را ایستا کند؛ اما پیام انقلاب، استمرار دارد و از هرگونه ایستایی و خمودگی به دور است. بنابراین، شایسته است این اصل مهم در کرسی های آزاداندیشی و تربیت کارشناسان برجسته حوزوی منظور نظر قرار گیرد.
۶. نظریه نظام انقلابی، در این بیانیه تعبیری بدیع است. رهبر انقلاب، از تئوری نظام انقلاب اسلامی به تئوری اصلی گام دوم

انقلاب یاد کرده‌اند که مستلزم نظریه‌پردازی‌های جدی است. این دیدگاه متعالی، نظام‌سازی را که مستند به ثبات و استقرار است، با تغییر و تحول که مقتضای انقلاب است، ترکیب می‌کند. اینکه نظام چرا بماند و چگونه باید بماند که هدف و ارزش‌های پیش‌پای وضع موجود قربانی نشود. بنابراین، مهم‌ترین رسالت حوزه، نظام‌سازی انقلابی است و باید اندیشه‌ورزان حوزوی، محققان خلاق و ایده‌پرداز و همچنین پژوهشکده‌ها و پژوهشگاه‌ها به این امر مهم معطوف شوند و در پرتو هم‌افزایی و نظارت و مدیریت معاونت پژوهش حوزه، «طرح نظام انقلابی» را ارائه کنند؛ چراکه مضمون مرکزی این بیانیه، مفهوم نظام‌سازی انقلابی است.

۷. مشکلات کشور، نه ناشی از انقلابی‌گری، بلکه ناشی از بی‌توجهی به آرمان‌های انقلاب است. هر جا پیشرفت بوده محصول انقلابی عمل کردن بوده است. مظاهر عزت جمهوری اسلامی، جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. (لذا جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ ضرورت دارد). بر اساس این رهنمود، حوزه علمیه باید همواره مدیریت جهادی را عطف توجه قرار دهد و همانند حضور و مشارکت فعال، حداکثری و جهادی خود در سیل اخیر، در همه عرصه‌های حساس اجتماعی، به ویژه پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، فعالانه وارد عمل شود.

۸. هیچ‌انگاری ائتلاف‌سازی تبلیغاتی آمریکا و تقویت جبهه مقاومت، در بیانیه مقام معظم رهبری نمود ویژه‌ای دارد. از این رو، فرهنگ‌سازی در این خصوص، در ایام تبلیغ و همچنین حضور هدفمند کارشناسان حوزوی در برنامه‌های رسانه ملی و هدایت جمعی از طلاب، پس از آموزش تبلیغ نوین در فضاهای مجازی، بسیار مهم است. در همین راستا، از دانشکده صدا و سیما قم برای تولید برنامه دینی و مستندهای جریان‌ساز، می‌توان انتظار داشته و مدد گرفت.
۹. کسب ثروت خوب است؛ اما عدم فساد، ملاک مشروعیت آن است. مسئول فاسد، در حکم طاغوت است و اجازه امر و نهی از موضع حاکم را ندارد. در این باره، هم مسئولان و مدیران حوزوی و هم روحانیون، گروه مرجع محسوب می‌شوند و ساده‌زیستی و پاکدستی آنان فرهنگ‌ساز خواهد بود.
۱۰. حوزه علمیه، علت محدثه و مبقیه انقلاب است. بنابراین، باید از متن جامعه و زندگی مردم مطلع و حضوری به هنگام در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی داشته باشد. زمان‌شناسی، آشنایی با فتنه‌ها و الزامات آن و تنویر افکار عمومی از مسائل مهم طلاب است. حوزه انقلابی، باید با تفکر ضد انقلاب مقابله کند؛ همان تفکراتی که نمی‌گذارد مشکلات مردم در جامعه رفع شود. عده‌ای در تلاش‌اند فاصله حوزه و مردم را بیفزایند؛ در حالی که باید با قرابت بیشتر بین حوزه و مردم، امید را در

جامعه ایجاد کرد.

۱۱. روحانیت، باید بیانیه گام دوم را فهم و تحلیل کند و پیام‌رسان آن به مردم باشد. در این باره، زندگی انقلابی روحانیت و مسئولان و دور بودن آنان از تشریفات و اشرافی‌گری تعیین‌کننده است. همچنین، کوتاه نیامدن روحانیت در مقابل فساد و جداسازی فسادها از حریم انقلاب، بسیار مهم است. همچنان‌که همراهی و تبعیت روحانیت از رهبری، در هر زمان و هر جایی، از لوازم ضروری ولایی بودن است.

۱۲. روحانیت، باید در اقتصاد مقاومتی، به جد، وارد عمل شود. تعیین راهبردها و برنامه‌های عملیاتی در بخش‌های مختلف علمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی همچنین، رسیدن به چشم‌اندازهای این بیانیه و اجرا آنها، نیازمند عزمی جدی و همتی همگانی است. بر این اساس، فعالیت‌های پژوهشی مراکز علمی دانشگاهی نباید از نیازهای واقعی و عملیاتی به دور باشند؛ بلکه لازم است به استفاده کاربردی در بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی معطوف شوند.

۱۳. باید دانست، راه طی شده، فقط قطعه‌ای از مسیر افتخار جمهوری به سوی آرمان‌های بلند است و تا آنچه باید می‌شد یا بشود، فاصله‌ای ژرف وجود دارد. توصیه‌های هفت‌گانه رهبر انقلاب، در حوزه علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت، استقلال و آزادی، عزت ملی و سبک زندگی برای

ادامه این راه، بسیار راهبردی و مهم است.

۱۴. عبور از سیاست‌گذاری و دستیابی به لایه عمیق سیاست، در این شرایط لازم است. (عبور از کارایی نظام، به اثربخشی نظام) همچنین، گذر از عقلانیت ابزاری به عقلانیت ارزشی، از ارتقای کارکرد درونی به تطبیق و تطابق ساختارها و اراده‌ها با اهداف عالیه نظام، از اداره و مدیریت زیرسیستم به تغییر و تحول و بازمهندسی دائمی ساختارها، از توسعه به تعالی و توجه به مقصد و انذار از بیراهه‌ها به جای اکتفا به مدل و در نهایت، لزوم توجه به ابزارگونگی اقتصاد و معیشت و مفاهیمی نظیر آزادی؛ نه هدف بودن آنها.

هرچند تحلیل متن بیانیه به پایان رسید؛ ولی در بین توصیه‌های راهبردی و بیان دستاوردهای انقلاب اسلامی در بیانیه رهبر معظم انقلاب، چند نکته برجسته و درس‌آموز وجود دارد که در بیان و بنان برخی اندیشوران آمده است. در اینجا، دریغمان آمد که مستقلاً به این نکته‌ها اشاره نشود: الف. با اینکه سی سال از رهبری نظام پس از رحلت حضرت امام (ره) و مدت هشت سال از ریاست جمهوری را رهبر معظم انقلاب بر عهده داشتند و یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در این دستاوردها معظم له بودند؛ ولی از سر اخلاص، تدین و تقوا تحت هیچ عنوانی از آغاز تا پایان بیانیه به نقش و تأثیرگذار بودن خود در این برکات اشاره‌ای نکردند. این، همان پشتوانه معنوی و دلیل ماندگاری بیانیه و درس عملی برای بسیاری از ماها است که چگونه می‌توان با خدای خود معامله کرد؛

نه آنکه گام کوچکی برای نظام برداشتن و خود را همیشه طلبکار دانستن که خلاف اخلاص و تقوا است. با این ملاحظات، پیام یک حرف مهم را نمی‌گوید. پیام در این باره که اگر این انقلاب این راه را آمده و چنین سرافراز و پرنشاط است، اگر به آینده امیدوار است و دشمن را خسته و ناامید کرده، اگر گام اول را با قهرمانی برداشته و در تدارک گام دوم است، همه به این سبب است که رهبری حکیم، امین، با تقوا، بنده خداوند و خادم بندگان خداوند و تیزهوش و استثنایی بالای سر آن بوده است. صاحب پیام عمده‌اً از کنار این نکته اصلی و بنیادین می‌گذرد؛ ولی ما دقیقاً همین‌جا باید توقف کنیم. رهبری حق هدایت و پیشگامی را برای این ملت تمام کرده و سهم خود را تمام و کمال به میدان آورده است. سؤال این است که آیا ما هم سهم خود را به تمامی انجام داده‌ایم؟

ب. در شرایطی که بسیاری به دلیل برجسته کردن برخی مشکلات اقتصادی روح ناامیدی را بین مردم می‌دمند؛ ولی آنچه که در بیانیه موج می‌زند، که می‌تواند قاعده و اصلی برای همه تأثیرگذاران در افکار عمومی قرار بگیرد، امید به آینده است. تمام تلاش معظم له در این است همه را امیدوار به آینده کشور کنند که ما همان ملتی هستیم با دست خالی و صفر؛ ولی با اتکال و اعتماد به نصرت الهی امروز در چنین شرایط افتخار آمیزی ایستاده‌ایم. پس، جایی برای یاس و ناامیدی وجود ندارد و قطعاً از این مشکلات هم عبور خواهیم کرد؛ چرا که «ان تنصر الله ينصرکم ويثبت اقدامکم» از همین رو، در بیانیه می‌نویسند:

نخستین توصیه من امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. بدون این کلید همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. این جانب، همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام؛ اما خود و همه را از ناامیدی بی‌جا و ترس کاذب بر حذر داشته‌ام و بر حذر می‌دارم.

در طول این چهل سال و اکنون، همیشه سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است... شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران، نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و ناامیدی را از خود و دیگران برانید. این، نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.

ج. آنچه معظم له در بیانیه به عنوان قاعده و اصل، بر آن اصرار دارند و در سخنرانی عید نوروز سال گذشته، در مشهد مقدس، نیز تفصیلاً بیان کردند، این است که وجود اختلاس و فساد مالی در نظام، جای هیچ انکار نیست؛ ولی نباید این به حساب نظام نوشته شود؛ چراکه اینها موردی است و هرگز سیستماتیک نیست. دلیلش این است که کشف‌کننده این فسادها وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه پاسدارانند و محاکمه‌کننده و مجازات‌دهنده نیز قوه قضاییه است و افشاکننده صدا و سیما است که از بدنه همین نظام است. علاوه بر این، از آغاز انقلاب

اسلامی تاکنون، در همه دولت‌ها با وجود اختلاف گرایشی، هیچ وزیر یا استاندار یا فرماندار و بخشدار یا فرمانده سپاه و ارتش متهم به فساد مالی نشد و همین نشان سلامت نظام اسلامی است. از همین رو است که دربیانیه آمده:

البته نسبت فساد در میان کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و به خصوص با رژیم طاغوت که سر تا پا فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمد الله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند؛ ولی حتی آنچه هست، غیرقابل قبول است.

د. از نکات برجسته بیانیه، ارج گذاشتن و بها دادن به نسل جوان است که اگر همه کارگزاران جامعه همانند معظم له تحلیل صحیح از آنچه که می‌گذرد، داشته باشند، به همین واقعیت خواهند رسید. بنابراین، تا دیر نشده است باید راه را برای حضور جوانان در عرصه مدیریتی فرهنگی، اجرایی، قضایی، سیاسی، علمی فراهم سازند؛ چراکه اگر این کار را نکنند، سنت و سیر طبیعی، این جابه‌جایی را بر آنان تحمیل می‌کند؛ ولی کشور از این جابه‌جایی تحمیلی، ضرر خواهد کرد؛ چون جوانانی در آینده مدیریت کشور را بر عهده خواهند گرفت که تجربه مدیریتی ندارند. اگر هم اکنون و پس از بیانیه مقام معظم رهبری، همان‌گونه که خود آغاز کننده این جابه‌جایی در ائمه جمعه، نمایندگی دانشگاه‌ها، نمایندگی سپاه و ... بودند، دولت نیز پس از شایسته‌شناسی، شایسته‌گزینی کند و سطوح مختلف مدیریتی را به جوانان بسپارد، قطعاً

بیست سال آینده، این جوانان تحصیل کرده با انگیزه و جویای نام، کشور را در جای بلندتر از جایی که هم اکنون ایستاده است، قرار خواهند داد. از همین رو، پیرفرزانه و دوران‌دیش انقلاب در بیانیه می‌نویسند:

دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید به همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و عمل جهادی را به کار ببندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند.

در پایان، باید دانست که این بیانیه دقیقاً در تقابل با اهداف اعلام شده از سوی دشمنان است که می‌گفتند: حالا که انقلاب کردید و نظام دل‌خواهتان را تأسیس کردید، باید از حرکت‌های انقلابی دست بردارید و به یک نظام نرمال و پیرو تبدیل شوید؛ در حالی که انقلابی بودن موتور محرکه انقلاب است و اگر از انقلاب دست بکشیم، آنچه به دست آوردیم را هم از دست خواهیم داد. رهبری بر این اصل بنیادین تأکید داشتند که انقلاب با سکون و بی‌حرکی همخوانی ندارد. مردمی بودن انقلاب، همراهی و همخوانی مردم با آن است که تا کنون ما را به این نقطه بلند تاریخ رسانده و از این پس نیز همین‌گونه خواهد بود.

إن شاء الله